

۱۳۸۴-۱۳۷۴

نشر کتاب‌های فلسفی در ایران طی یک دهه اخیر با توسعه دانشگاهها و ایجاد فضای گفت‌وگو، روند رو به رشدی را طی کرده است. حتی اقبال به مباحث فلسفی و آثار مکاتب اندیشمندان و نظریه‌پردازان غرب و اسلام از محیط‌های علمی و دانشگاهی فراتر رفته است. روند رو به فزونی کتاب‌های فلسفی در ایران و تنوع مباحث مؤید استقبال از این نوع کتاب‌هاست و نشان‌دهنده آن است که مباحث فلسفی و استدلالی از حوزه محافل خاص علمی تا حدودی به مذاق عام شعاع افکنده است و این شعاع روزبه‌روز رو به گسترش است. ارائه نمونه‌های آماری از وضعیت یک دهه چاپ و نشر کتاب‌های فلسفی در ایران موضوع گزارشی است که آن را به تفکیک سال‌های مختلف خواهید خواند.

۲

کتاب فلسفه
ISSN 1029-3345
شماره ۲۴ زمستان ۱۳۸۴
شماره ۲۳ بهار ۱۳۸۴
شماره ۱۶ خرداد ۱۳۸۴
www.ketabehalshir



مؤلف

به سوی متون اصیل

محمد باقایی (ماکان): ضرورت معرفی فلسفه ایرانی، اسلامی
سیاوش جمادی: ترجمه اصل آثار فلاسفه



مؤلف

در باب فلسفه اسلامی

گفت و گو با دکتر یوسف ثانی



بنیاد حکمت
اسلامی صدر ۶
مؤسسه حکمت
و فلسفه ایران ۹
پژوهشکده
فلسفه قم ۳



دیدار با دکتر غلامرضا اعوانی
فرهنگ کشور ایران یک فرهنگ عقلی و فلسفی بوده است. حکمت و فلسفه در زندگی ایرانی همیشه استمرار داشته است و این یک امر تصادفی نیست

مباحث چهل ساله
گفت و گو با دکتر سید یحیی بی‌ربی: مؤلف و پژوهشگر فلسفه
ترجمه‌های موجود
نگاه دکتر شهرام پازوکی
روى
قفسه‌ها

انتشار علمی و فرهنگی

لذت اندیشمندی ریاضی
احمد سلیم شعبان استرگموری
۱۰۰۰۰ ریال

خلاصه تاریخ هنر
پرویز مرزبان
۲۵۰۰۰ ریال

عمر حبیب‌نام
پرویز مرزبان و یونس حبیب‌نام
۱۰۰۰۰ ریال

میراث نوبت‌نعمادری
نشر: انتشارات فلسفه قم
۰۲۱-۳۳۳۰۰۰۶۲ - تلفن: ۰۲۱-۳۳۳۰۰۰۶۲
www.ketabehalshir.com - email: info@ketabehalshir.com

از غره‌های این سرگشته‌ها: نمایشگاه بین‌المللی تهران دین فرمانبردار - ۱۰ سالن - ۲۸ پروژه کودکان و نوجوانان - سالن ۱۱ - انتشارات بین‌المللی

فلسفه ؛ ۱۳۷۴ تا ۱۳۸۴

نشر کتاب‌های فلسفی در ایران طی یک دهه اخیر با توسعه دانشگاه‌ها و ایجاد فضای گفت‌وگو، روند رو به رشدی را طی کرده است. حتی اقبال به مباحث فلسفی و آثار مکاتب اندیشمندان و نظر به پردازان غرب و اسلام از محیط‌های علمی و دانشگاهی فراتر رفته است. روند رو به فزونی کتاب‌های فلسفی در ایران و توجه مباحث مابعد استنباط از این نوع کتاب‌هاست و نشان‌دهنده آن است که مباحث فلسفی و استدلالی از حوزه محافل خاص علمی تا حدودی به مفاصل عام شمع افکنده است و این شمع روز به روز رو به گسترش است. ارائه نمونه‌های آماری از وضعیت یک دهه چاپ و نشر کتاب‌های فلسفی در ایران موضوع گزارشی است که به تفکیک سال‌های مختلف در پی می‌آید.

۱۳۷۴

در سال ۱۳۷۴ کتاب‌های فلسفه چاپ اول از ۳۰ عنوان فراتر رفته است و از این ۱۵ عنوان در حوزه ترجمه و ۱۵ عنوان دیگر در حوزه تألیف است. مترجمان پر کار حوزه فلسفه چون بابک احمدی، خشیار ذبیحی و عزت‌الله فولادوند در این سال آثاری از اندیشمندان غرب را روانه بازار نمودند. انتشاراتی چون سروش، نایب، مرکز نشر و طرح نو عمده کتاب‌های این سال را در حوزه فلسفه منتشر نمودند. و شمارگان کتاب‌ها بین ۳ تا ۲ هزار نسخه بوده است.

۱۳۷۵

کتاب‌های فلسفه در سال ۱۳۷۵ بیش از ۱۰۰ مورد رشد به ۶۵ عنوان رسید و کتاب‌های ترجمه‌ای از کتاب‌های تألیفی غلبه یافت. ۳۵ عنوان کتاب ترجمه‌ای در مقابل ۳۰ عنوان کتاب تألیفی، در کنار کتاب‌های فلسفه غرب کتاب‌های فلسفه اسلامی نیز ترجمه و منتشر شد. تنوع ناشران کتاب‌های فلسفی در این سال محسوس تر بوده است. در سال ۷۵ ناشرانی چون حکمت‌نوی، مرکز فکر روز، سراط، طرح نو، اندیشه و دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم در حوزه نشر کتب فلسفی فعال بوده‌اند. کتاب‌های با شمارگان ۱۰۰۰ نسخه در این سال بیشتر دیده می‌شود گرچه کتاب‌های نیز با شمارگان ۵۰۰۰ نسخه نیز یافت می‌شود مانند کتاب‌های حسن حسین زاده آملی. در مجموع می‌توان متوسط شمارگان کتاب‌ها را ۳۰۰۰ نسخه ارزیابی کرد که بیشتر این کتاب‌ها در قطع درغی چاپ شده است.

۱۳۷۶

رشد کمی کتاب‌های فلسفی در سال ۱۳۷۶ چندان قابل توجه نیست. تعداد عناوین کتاب‌های چاپ اول در این سال ۷۳ عنوان است که ۳۷ عنوان در حوزه ترجمه و ۳۶ عنوان در حوزه تألیف است. در این سال کتاب‌های تألیفی و ترجمه‌ای نا محدودی پدید آمدند. تاریخ فلسفه یونان اثر «پلوتارکوس، گاتاری» با ترجمه مهدی قوام صفری در چند مجلد را می‌توان مهم ارزیابی کرد. شرح حکمت متعالیه اثر عبدالله جوادی آملی را در این سال می‌توان در حوزه فلسفه اسلامی از کتاب‌های قابل توجه دانست. آثاری نیز به وسیله حسن بشیریه، خشیار ذبیحی، غلامعلی حداد عادل، سید جلال‌الدین آشتیانی، محمدسعید حنطی کاشانی و عبدالعلی دستغیب و... در این سال چاپ و منتشر شد و ناشرانی از قبیل خوارزمی، طرح نو، فکر روز، دفتر تبلیغات اسلامی حوزه قم، امیرکبیر، پرسش فعال بوده‌اند. شمارگان کتاب‌ها بین ۵۰۰ تا ۵۵۰۰ نسخه است ولی عمده کتاب‌ها شمارگانی کمتر از ۳۵۰۰ نسخه دارند و قطع بیشتر کتاب‌ها در این سال وزیری است.

۱۳۷۷

در سال ۱۳۷۷ شاهد رشد منفی در حوزه چاپ و نشر کتاب‌های چاپ اول فلسفی هستیم و همچنان مرز میان تألیف و ترجمه بسیار نزدیک است. ۳۳ عنوان کتاب ترجمه‌ای در کنار ۴۳ عنوان کتاب تألیفی نشان از کاهش ۴ عنوان کتاب نسبت به سال ۷۶ دارد. در این سال آثاری از کریم مجتهدی، مهدی محقق، غلامحسین ابراهیمی دینانی، رامین جهانبگلو و محمدرضا حکیمی چاپ و روانه بازار شد. ناشرانی همچون جامی، هرمس، فرزاد روزی، کوچک، اسرا و دفتر نشر فرهنگ اسلامی فعال بودند.

تاریخ فلسفه یونان در پنج جلد در بخش‌هایی که به افلاطون اختصاص دارد اثر ویلیام کنت جیموز کاتاری با ترجمه حسن فتعی به همراه کتاب دفتر عقل نوشته حسن کلبوز از کتاب‌های قابل ملاحظه در فلسفه غرب در سال مذکور هستند. همچنین کتاب‌هایی با قطع پالتویی در ۲۲۰۰ نسخه به وسیله انتشارات کوچک که به فلسفه غرب و آرای اندیشمندان فیلسوفانی مانند توماس آکویناس، ارسطو و آوگوستینوس اختصاص داشت، روانه بازار نشر شد. متوسط شمارگان کتاب‌ها همچنان ۳۵۲ هزار نسخه بود.

۱۳۷۸

رشد کمی کتاب‌های سال ۷۸ نسبت به سال قبل حدود ۱۰۰ درصد است. کتاب‌های ترجمه‌ای نسبت به تألیفی در این سال بیشتر است چراکه از مجموع ۱۲۳ عنوان کتاب منتشر شده ۶۸ عنوان ترجمه و ۵۵ عنوان تألیف است. آثار زیادی از فلسفه یونان در این سال ترجمه و وارد بازار شد. بنیادها و دفاتر انتشاراتی وابسته به سازمان‌ها و نهادهای نیز در این عرصه فعال تر از سال‌های گذشته شدند. همچون سال‌های قبل ناشرانی چون فکر روز، مرکز کوچک، سروش، هرمس و دفتر نشر حوزه علمیه قم فعال ظاهر شدند اما علی‌رغم تنوع ناشران انتشار یافته شمارگان کتاب‌ها همچنان بین ۳۰۰ تا ۳۰۰۰ نسخه بود. کتاب‌های بدایه‌الحکمه علامه طباطبائی توسط ناشران مختلف در طول این سال منتشر شده



است. شخصیت‌هایی چون سید جلال‌الدین آشتیانی، رضا صادقی اردکانی، محسن کلبوز و سید مصطفی محقق داماد بر فعالیت چندساله خود نیز در این سال تداوم بخشیدند.

۱۳۷۹

سال ۷۹ را نیز باید سال رشد منفی کتاب‌های چاپ اول فلسفی نامید. چراکه در این سال شاهد کاهش ۲۰ درصدی عناوین کتاب‌های نوبت اول هستیم. در این سال تنها ۸۲ عنوان کتاب منتشر شد که شامل ۳۳ عنوان ترجمه و ۵۱ عنوان تألیف بود. گرچه ناشرانی چون سروش، نی، نقطه، طرح نو، صدرا، آگاه، پایا، قصیده و... آثاری را منتشر نمودند اما نشر مرکز فعال تر از همه بود و کتاب‌هایی را در آشنایی با فیلسوفان غرب در ۲۰۰۰ نسخه منتشر نمود. کتاب‌های پر شمارگان در حوزه فلسفه را کمتر می‌توان دید اما در این سال کتاب «ذکات و متفکران اسلامی» نوشته ابوالقاسم مستشاری به وسیله مؤسسه پژوهشی ابن سینا جامع پژوهشگران در ۱۵ هزار نسخه روانه بازار شد. در میان ایرانیان فلسفه یاره آثاری از حسن حسین زاده آملی، عبدالله نصری، غلامحسین ابراهیمی دینانی، سید محمد خامنه‌ای و محسن غریبان دیده می‌شود.

۱۳۸۰

در سال ۱۳۸۰ مجموع کتاب‌های فلسفی به ۱۲۶ عنوان رسید و علاوه بر اینکه رشد سال ۷۹ را جریان کرد از سال ۷۸ نیز جلوتر افتاد. از این مجموع ۲۹ عنوان ترجمه و ۷۷ عنوان تألیف بودند.

بنیاد حکمت اسلامی صدرا در این سال سه عنوان کتاب فلسفی را به زبان لاتین منتشر کرد و ناشرانی چون مرکز طرح نو، بوستان کتاب قم، مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (ره)، نقش و نگار و فرزاد روز فعال تر از دیگر ناشران ظاهر شدند و شمارگان کتاب‌ها نیز همچون سال‌های قبل که بر سرمد بین ۱۰۰۰ تا ۳۰۰۰ نسخه بود گرچه شمارگان ۱۰۰۰ نسخه نیز یافت می‌شود. پر شمارگان‌ترین کتاب فلسفی در این سال، کتاب «ابن سینا» نوشته محمد رضا شیخ الاسلامی و سعید شریفی است که در قطع پالتویی به وسیله دفتر هم راه منتشر شد. مترجمان فعال در این حوزه را می‌توان علیرضا آزادی، فرامرز جوهری نیا، عبدالحسین پیروز، عزت‌الله فولادوند، شهرام حمزه‌ای و فرزاد سجودی نام برد.

۱۳۸۱

در سال ۱۳۸۱ نیز شاهد افت و خیز در نشر کتاب‌های چاپ اول فلسفه هستیم چراکه در این سال نسبت به سال ۸۰ رشدی مشاهده نمی‌شود. عناوین تألیفی گرچه بیشتر ترجمه است و در مجموع ۱۳۳ عنوان کتاب منتشر شد اما این کاهش ناشرانی توان نامیده گرفت. کتاب‌هایی پیرامون مارتینیه گادار از مارتینیه یا پست مارتینسم در این سال ترجمه شد. آثاری هم از محمدحسین ابراهیم صاد، آدین شیرازی و زین‌نظر سید محمد خرم‌آبادی چاپ و منتشر شد و مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی اقدام به نشر تقریرات فلسفه امام خمینی (ره) در پنج جلد نمود. شمارگان کتاب‌ها بین ۵۰۰ تا ۱۰۰۰ نسخه بود. ناشران جامی، آگاه، مروارید، گام نو، امیرکبیر و بنیاد حکمت اسلامی صدرا را می‌توان فعال‌ترین ناشران سال ۸۱ ارزیابی کرد.

۱۳۸۲

کتاب‌های حوزه فلسفه در این سال به ۱۱۰ عنوان رسید؛ ۶۱ عنوان ترجمه و ۴۹ عنوان تألیف. در این میان مترجمان می‌توان به محمدرضا تاجیک، عباس باقری، محمدتقی عطایی، عزت‌الله فولادوند، عبدالمحمد آینی، رویا منجم و... اشاره کرد و از مؤلفان ایرانی نیز نجف‌قلی حبیبی، سید حسن نصره، مرتضی محیط، محمدرضا حکیمی و... را می‌توان نام برد. بنیاد حکمت اسلامی صدرا در این سال آثار متعددی از مباحث فلسفی-اسلامی را روانه بازار نشر کرد. در کنار ناشران و مؤسسات دولتی هرمس، طرح نو، جامی، دلیل ما، آگاه، شیرازه، پرسش، مرکز و گام نو فعال بودند. کتاب‌ها در شمارگان بین ۱۰۰ تا ۱۰۰۰۰ نور در قطع‌های رقی، وزیری و پالتویی عرضه شدند. در میان عناوین منتشره ۵ عنوان کتاب به زبان لاتین به وسیله بنیاد حکمت صدرا منتشر و روانه بازار شد.

۱۳۸۳

مجموع کتاب‌های فلسفی منتشر شده در سال ۸۳ شامل ۲۳۱ عنوان در حوزه ترجمه و ۱۷۷ عنوان در حوزه تألیف است. بعد از یک دهه که کتاب‌های ترجمه‌ای بر کتاب‌های تألیفی در اولی غلبه داشته و در بعضی از سال‌ها پارویی می‌کرد، در سال ۸۳ کتاب‌های تألیفی از ترجمه‌ای پیشی گرفت. آثار تألیفی از فلسفه یونانی چون رضا داوری اردکانی، عبدالله نصری، کمال خسروی، آیت فخری، محمد مددیور، سید حسین نصر، غلامحسین ابراهیمی دینانی، علی ابراهیمی و... در ایران به تحکیم و تقویت نوشتار تألیف کمک شایانی کرده است. وجود مراکز و چون نشر دانشگاهی و سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاه‌ها نیز نقش مؤثری داشته است. گرچه در طول این یک دهه شاهد چاپ کتاب‌ها در شمارگان بالا نبودیم و بطور معمول شمارگان کتاب‌ها در سطح مشخصی قرار داشته اما تنوع آثار و پرداخت‌های موضوعی اهم از فلسفه غربی و اسلامی قابل توجه است. تنوع در ناشران کتاب‌های فلسفی نیز حقیقت روز، اختران، فراز اندیشه، علم، مشکوره، میراث مکتوب، شفق، کویر، حکمت، اساطیر، ققنوس، هرمس، پوسان و... اقدام به چاپ کتاب کرده‌اند که نسبت به سال‌های قبل بر تعداد تنوع آنها افزوده شده است و نشان از روند فرگیزی علم فلسفه دارد.



گزارش

پژوهشکده فلسفه‌قم

فکر کرد

در پژوهشکده فلسفه سه گروه پژوهشی وجود دارد: گروه کلام اسلامی، گروه فلسفه و گروه فلسفه اخلاق. این پژوهشکده از همان زمان راه اندازی افتاد به انتشار نشریه نقد و نظر کرد که در کنار ماهی از جمله نشریات معتبر و دارای جایگاه علمی خوب در قده بررسی و تحلیل آثار فلسفی گردید.از این نشریه ۲۲۴ شماره منتشر گردیده است.

کتابخانه پژوهشکده

پژوهشکده فلسفه و کلام دارای کتابخانه‌ای تخصصی با ابرار جلد کتاب است که در زمینه‌های فلسفه، کلام، کلام جدید و مباحث و موضوعات فلسفی است. زبان این کتاب‌ها به فارسی، عربی و انگلیسی است، لکنه در صورت توجه در این کتابخانه وجود بسیاری از منابع معتبر و به‌روز به زبان انگلیسی است.

در این کتابخانه نشریات مرتبط با فلسفه و کلام منتشر شده در ایران و برخی نشریات خارجی وجود دارد. مراجعه کنندگان و اسفاده کنندگان از کتابخانه مزبور، پژوهشگران خود مرکز و دانشجویان سطح مختلف هستند.

انگار منتشرشده پژوهشکده فلسفه و کلام

- مسأله باید و هست، بحثی در رابطه ارزش و واقع، محسن جوادی، ۱۳۷۵
- زبان دین، امیر عباس علمانی، ۱۳۷۵
- مبانی فلسفه مسیحیت (ترجمه) محمد محمدرضایی و محمد موسوی، ۱۳۷۵
- فکر دینی در قرن بیستم (ترجمه) عباس شیخ شمانی، ۱۳۷۵
- ادراک حسی از دیدگاه ابن سینا، محمدعلی فعلی، ۱۳۷۶
- دین و چشم اندازهای نو (ترجمه) غلامحسین و علی، ۱۳۷۶
- تألیفات نامآ یا غیب نمودن، نگارش نوبه معجزه، محمدامین احمدی، ۱۳۷۸
- سرشت کلیت و ضرورت، پژوهشی در فلسفه مطلق، عسگری

تازه‌های ۸۴

از ۱۴۰۲فروردین تا ۱۳۹۲ اردیبهشت سال جاری ۲۲ عنوان کتاب در حوزه فلسفه منتشر شده است. از این تعداد ۱۵ عنوان در زمینه ترجمه و ۷ عنوان در زمینه تألیف است.
پنجاهتین شمارهگان کتاب راهمضای جامع کلیات فلسفه در ۵۰۰۰ نسخه و کمترین شمارهگان کتاب دومی‌های شرح منظومه حکیم سبزواری، مسأله انقراض علمی و مسألات فلسفی در ۲۰۰۰ نسخه است. ۱۴ عنوان کتاب در قطع ۸ عنوان در قطع وزیری، ۹ عنوان در قطع رحلی و ۲ عنوان جیبی و یک عنوان پانزینی است.
نشرین صفحه مربوط به کتاب «الحکمةالمتنالیة فی الاصولالفلسفیة الاربابه» نوشته ملاصدرا، با توضیح غلامرضا ابوالمنی و مقدمه سید محمد خاشانه‌ای، به‌وسیله مؤسسه حکمت اسلامی صدررا منتشر شده است و کمترین صفحه مجموعه سوالات نهایی در ۷۶ صفحه روانه بازار شده است.
کتاب‌های حوزه فلسفه در سال جاری از شروع مناسبی همراه بوده است. کتاب‌های آگوستین قدیس، شرح فلسفه و آثار برگزیده نوشته لودویگ با ترجمه محمد باقری ماکان، نوماس مایز و جان لاک، شرح فلسفه و آثار برگزیده نوشته سوگرون کانگ، با ترجمه محمد باقری و دکارت نوشته لودوی و با ژا ترجمه محمد باقری (ماکان) به‌وسیله نشر اقبال راهی بازار نشر شد.
دیالکتیک روشنگری نوشته گروهی از اندیشمندان از جمله ماکس هورکهایمر، تودور آدورنو، گروتزین اشمندور با ترجمه مراد فرهادپور و امید مهرانگان توسط نشر کیهان‌پژا با شمارهگان ۲۵۰۰ نسخه و در قطع سلفظی به بازار آمد.
انتشارات انجمن مجموعه سوالاتی فریاد فلسفه و منطق را در منطق متوسطه نیز در ۲۵۰۰ نسخه به بازار فرستاد. این مجموعه سوالات با یافته‌های تألیف کرده است.
نشر ثالث نیز کتاب دوجلدی را با نام «عناصر ریچکانه در روشنفکری انسان» نوشته پائلا فرگوس با ترجمه فانی مهدوی راه چاپ و عرضه نموده است. این کتاب‌ها در ۲۲۰۰ نسخه و با قطع رحلی منتشر شده است. کتابی نیز به زبان عربی از سوی مؤسسه پژوهشی حکمت و فلسفه ایران به نام «رسائل والشجره الالهیه فی علوم الحقائق الاربابه»، اثر محمد بن حمود شهروزوی با مقدمه دکتر نطفعلی حبیبی به بازار فرستاده شده است.
روژنامه ایران نیز از یورگن هارتماس فلسف ماممر آلمانی و نظریه‌پرداز مارکسیستی کتاب نظریه کنش ارتباطی، عقل و عقلانیت جامعه را در ۲۰۰۰ نسخه و در ۶۰۸ صفحه چاپ و نشر نموده است. این اثر از نوماس مک کارتی و کمال پولادی به‌طور مشترک ترجمه گردانده.
دکتر غلامحسین ابراهیمی دبیتای استاد فلسفه اسلامی دانشگاه تهران کتابی را با عنوان «وجود روابط مستقل در فلسفه اسلامی» برای خوانندگان عرضه نموده است. ویراستاری کتاب را محمدچادراماحملی به عهده دارد و مؤسسه حکمت و فلسفه ایران نشر آن را به عهده گرفته است.

نیمه عنوان کتابی است که علی هدالطهی ترجمه نموده و نشر مشکفی در دوازدهم اردیبهشت منتشر نمود. این کتاب در شمارهگان ۲۰۰۰ نسخه و در قطع جیبی است.
نشر فلسفه نیز در این راهگذار کتاب «ساختار انقلاب‌های علمی را در سال جاری و آن هم در حوزه فلسفه در کارنامه خود دارد. نویسنده این کتاب نورمان اسی کوپن و ترجمه آن عباس طاهری است.
کسی که گوگرد یک کتاب نشر مشکفی و ترجمه آن علی هدالطهی است. شمارهگان کتاب ۲۰۰۰ نسخه و قطع آن جیبی است. برای راهمضای حوزه فلسفه نشر عاوان در ۱۴۰۲فروردین ماه کتابی را با عنوان راهمضای جامع کلیات فلسفه ویژه دانش آموزان در ۲۰۰ صفحه و با شمارهگان ۲۰۰۰ نسخه منتشر نمود. کار تدوین این کتاب را صدرا سگودینی انجام داده است.
باور خردمندانه شرح و ترجمه و مقدمه‌ای بر اعتقاد الحکمه، از سگودوی نوشته فریدالدین رادمهر به‌وسیله نشر و پژوهش فرزاد روز منتشر شد.

نشر فرهنگ نیز پژوهشی در اندیشه‌های عرفانی شهاب الدین سهروردی (شیخ اشراق) را به‌سوی کاتلرپوشی‌ها روانه کرد. مریم علیچایان نویسنده این کتاب است و در ۲۰۰۰ نسخه با قطع رحلی منتشر شده است.
کانون اندیشه جوان نیز همراه با آفاقه نشر دست به نشر و توزیع کتاب حکمت چارواکه نوشته حسن عملی زده است. این کتاب در ۲۰۰۰ نسخه و با قطع رحلی به بازار آمده است.
نشر حکمت نیز در ضمن‌های شرح منظومه حکیم ملاهادی سبزواری را به بازار فرستاده است. این کتاب را دهمی شیرازی نوشته و در ۱۰۰۰ نسخه منتشر کرده است.
از مایذگر با سهروردی عنوان کتابی است که مؤسسه نشر نگاه منتشر کرده است. این کتاب نوشته هلمزی کرین با ترجمه حامد فولادوند است.

یکی از مراکز تحقیقاتی فعال در زمینه فلسفه و پژوه و با رویکردهای اسلامی، پژوهشکده‌های است که تا همین آام در سال ۱۳۷۲ در پژوهشکده علوم و فرهنگ اسلامی تأسیس شد. در آن زمان گفته می‌شد که این مرکز به‌طور معمولی و نسبت آموزه‌های نظری اسلام را ربریکرد علمی-فقهی و همچنین پاسخگویی به شبهات فلسفی و کلامی تأسیس شده است.
علیرضا آراچه که مسوولت پژوهشکده فلسفه را بر عهده دارد معتقد است، ما در این مرکز به دنبال نوآوری در بیان آموزه‌های اسلامی و فهمپوی و ساختن آنها متناسب با سطوح گوناگون مخاطبان هستیم.

وی اضافه می‌کند:پژشاسی و تبیین‌نموندن آموزه‌های نظری اسلام و دفاع عقلانی از آموزه‌های مورد و پاسخگویی به شبهات فلسفی و کلامی ما را در آن دلدت تا به صورتی منمركز و انکامیدک به تحقیق و مطالعه پرورایم و ضمن تقیح مبانی و پارچوب‌های نظری فلسفه و کلام در جهت توسعه آنها تکوین است.
مدیر پژوهشکده فلسفه، چگونگی دست‌یابی به اهداف مورد نظرشان را چنین شرح می‌دهد: ما ابتدا درصدد بازنگری اندیشه فلسفی و کلامی و توسعه آن جهت روشنفکری فکری فلسفی و کلامی برآمدیم و در این راه به مسائل بنیادی و مبانی نظری فلسفه توجه کردیم. همچنین در این راه به ترجمه آثار مهم و تأثیرگذار فلسفی و کلامی پرداختیم که برخی از آنها را برجسته‌ترین جایگاه و دیدگاه‌های فلسفی در جهان و پژوه غرب است.

آن یوه در توضیح فعالیت دیگر پژوهشکده تحت مسوولت، به برگزاری جلسات نقد و بررسی نشست‌های مختلف فلسفی و کلامی و همچنین تألیف مقالات متعدد، این رویکرد اشاره می‌کند و می‌گوید: ما برای شناسایی شبهات فلسفی و کلامی و همچنین شناسایی مخاطبان مختلف گروه‌های تخصصی، ایجاد کمیته با تسنن کردن زمینه گفت و گو با اقراخ میان متکران مسلمان زمینه از غای این بخش را پژوه در مباحث روز و انکامیدک فلسفه فراهم کردیم.
وی از کارهای دیگر این پژوهشکده، تشکیل کتاب‌های کارگاه‌های آموزشی، برگزاری چنین نشست نقد و بررسی، تألیفات و نگارش‌های فلسفه و همچنین گفت و گوهای علمی و ایجاد فرصت‌های مطالعاتی را

سلیبانی امیری، ۱۳۷۸
۹. سه‌مست فلسفی، گزارش از فلسفه‌های هندی، جینی و بیودی (ترجمه) ابوالفضل محمودی، ۱۳۷۸
۱۰. مابعدالطبیعه و جنبه (محمدجواد رضایی، ۱۳۷۹
۱۱. حقیقت دینی در عصر مابعدارجمه ابوالفضل محمودی، ۱۳۷۹
۱۲. تریه‌الاسیاء و الایانه (اصحیح و تحقیق) فارس حسون کریم، ۱۳۸۰
۱۳. علیت از دیدگاه فیلسوفان مسلمان و فیلسوفان تجربه‌گرا، عین الله خادمی، ۱۳۸۰

۱۴. مناقشات علی اصغر خندان، ۱۳۸۰

۱۵. فلسفه اخلاق در قرن بیستم (ترجمه و تحشیه) ابوالقاسم خانی، ۸۰
۱۶. نقد پرهان‌نابذوی وجود خدا، عسگری سلیمانی، ۱۳۸۰
۱۷. عقل و تجربه از نظر اسپینوزا (ترجمه) محمدعلی هدالطهی، ۱۳۸۱
۱۸. تجربه دینی و گوهر دین، علیرضا قاضی‌نیا، ۱۳۸۱

۱۹. اراده خدا، علی الله بدائشی، ۱۳۸۱

۲۰. نامه‌ای که ناتوانه ماند، تجلیی درباره حدیث احادیث و قلم، غلامحسین زبیلی، ۱۳۸۱

۲۱. گفت وگویی مذهبی، عداالت حبیبیه محمدحسین زمانی، ۱۳۸۱
۲۲. مکاتبات لاجبسی و کلامک (ترجمه) علی ارشد زبانی، ۱۳۸۱
۲۳. نظریه انداختن کانت (ترجمه) علیرضا آل بویه، ۱۳۸۱
۲۴. انسان کامل از نگاه امام خمینی(ره) و عرفان مسلمان، محمد امین صادقی ارزقانی، ۱۳۸۲
۲۵. معنر و علم (ترجمه و تحشیه) امیردینولی، ۱۳۸۲
۲۶. جاودانگی، رضا اکبری، ۱۳۸۲

تقدوین

(فصلنامه نشریه‌ای تخصصی در حوزه فلسفه و کلام اسلامی و برگزیده موسومین و چهارمین جشنواره مطوعات ۱۳۷۶ و ۱۳۷۵) است که در زمان ۱۳۷۲ به عقاود مطوعات پوست، تاکنون ۲۲ شماره از آن منتشر شده است.

ویژه نامه‌های نقد و نظر:

مبانی اقتصاد، دفاع عقلانی از دین (۱ و ۲) نقش زمان و مکان در ایجاد، انتقار بشر از دین، فرهنگ سیاسی، کلام در روزگار ما، دین و عقاوت، فلسفه فقه اخلاق و دین سنت گرایان، سنت و تجداد (۱ و ۲) عرفان و حکمت امام خمینی(ره) تجربه دینی، دین و عقلانیت (۱ و ۲) معنای زندگی (۱ و ۲) دین و بهداشت روانی (۱)

انگار در دستاوت نشر

- مبانی فلسفه دین (ترجمه) ترجمان
- مبانی اخلاق (ترجمه) علی عسگری و غلامحسین توکل
- دین و عقلانیت (ترجمه) حسن کبری
- مبانی فلسفه اخلاقی (ترجمه) محمود فاضلی و علیرضا آل بویه
- تسبیت‌گرایی اخلاقی (ترجمه و تحشیه) علیرضا آل بویه و محمود فاضلی
- علی و عرفان اسلامی، محمدامین صادقی
- اصول‌گرایی و دین، محمدامین احمدی
- اصول‌گرایی و دین، محمدامین احمدی
- عقل و دل (ترجمه) محمدهادی شهاب، کتاب‌های برگزیده (شان علمی)

برگزیده‌های حوزه

۱. تألیفات نامآ یا غیب نمودن، نگارش نوبه معجزه، محمدامین احمدی، ۱۳۷۸

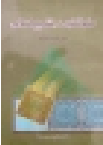
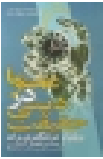
۲.سرشت کلیت و ضرورت، پژوهشی در فلسفه مطلق، عسگری سلیمانی امیری، ۱۳۷۹.

برگزیده‌سال‌انجوبی

- مسأله باید و هست، بحثی در رابطه با ارزش و واقع، محسن جوادی، ۱۳۷۵
- زبان دین، امیر عباس علی زبانی، ۱۳۷۵
- آبراهین ایات وجود خدا در فلسفه غرب، علیرضا جمالی نسب، محمد محمدرضایی، ۱۳۷۱
- مناقشات، علی اصغر خندان، ۱۳۸۱
- مابعدالطبیعه، محمدجواد رضایی، ۱۳۷۹

برگزیده‌های کمترین پوهان کشور

- نقد پرهان‌نابذوی وجود خدا، عسگری سلیمانی امیری، ۱۳۸۰
 - تألیفات نامآ یا غیب نمودن، نگارش نوبه معجزه، محمدامین احمدی، ۱۳۷۸
 - جاودانگی، رضا اکبری، ۱۳۸۲.
- برگزیده‌های موسومین جشنواره انتخاب کتاب معلع**
- علیت از دیدگاه فیلسوفان مسلمان و فیلسوفان تجربه‌گرا، عین الله خادمی، ۱۳۸۰.



دکتر سید محمود یوسف ثانی از تبار **سزوریان ایران** است. **منطق کاشف**شاسی خویش را در رشته علوم سیاسی از دانشگاه حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران طی کرد. اما هرصه سیاست به مذاق وی خوش نیامد، پس با تغییر رشته، کارشناسی ارشد و دکتری خویش را در رشته فلسفه اسلامی گرایش **منطق دانشگاه الهیات از همان دانشگاه، دریافت کرد.**

حوزه مورد علاقه و فعالیت وی فلسفه و عرفان اسلامی و منطق است. از وی به مجال مقالات و مقالاتی در مجله‌های دانشی چون کتاب ماه ادبیات و فلسفه، زمین و سوراخ منگوب و طبع رسیده است. همچنین در نشر **ملاصدرا** مقاله‌ای تحت عنوان **«اصالت وجود و کلیات طبیی»** ارائه کرد. **کتاب‌های دکتر ثانی ترجمه هستند. وی کتاب‌های «هرسث‌های بنیادین فلسفه» تألیف «ویوانگ» «عوامل خیال» تألیف ویلیام جیچیک و بخش دوم از جلد نهم «تاریخ فلسفه» کاپلستون را از انگلیسی به فارسی ترجمه کرده است و در حال حاضر نیز به ترجمه «رسایل فلسفی» گندی مشغول است. به همین بهانه ما نیز گفت‌گویی با او در خصوص آثاری که ترجمه کرده و وضعیت فلسفه اسلامی و کتاب‌های این حوزه انجام دادیم.**

جناب استاد قیل از هر چیز دلیل انتخاب این کتاب‌ها برای ترجمه چه بود؟

کتاب ایرتس‌های بنیادین فلسفه را به چند دلیل متفاوت ترجمه کردم. اول اینکه ما در حوزه عمومی کتاب‌هایی که علاقه‌مندان به فلسفه بتوانند استفاده کنند کم داریم و این کتاب برای علمه علاقه‌مندان به فلسفه نوشته شده بود که دارای بیان بسیار رسا و شیوایی هم هست. دوم اینکه در حوزه فلسفه تطبیقی و عقل‌گرا نوشته شده بود و این سنت به سنت فلسفی امام‌سیاسی نزدیک است. سوم اینکه این اثر بسیار گام‌آلود و در اغلب کشورها روی آرزویی بیشتر شده بود؛ یعنی بر مضمون جدید بود. پس به صورت کلی احساس نیاز موجود کردی کتاب عمومی در حوزه مسائل فلسفه غرب باعث شد که من ترجمه را انجام دهم. جیچیک و کتاب‌هایش در حوزه فلسفه این غربی برای اکثر علاقه‌مندان مسائل فلسفه در ایران آشناست و اثر وی در حوزه عرفان این غربی قابل استفاده است. این کتاب گرچه محور اصلی آن به مسأله کثرت‌گرایی می‌پردازد، اما دو فصل مفصل اول آن ارائه کلی از تک‌نویب این غربی و جهان‌بینی اوست که در زبان فارسی کتابی که به این خوبی و جامعگی وی را معرفی کند نداشتیم. به علاوه اینکه مسأله کثرت‌گرایی جدی مسأله‌ای است که امروزه جامعه ما به آن مبتلاست و باطل اندیشه به آن توجه دارند. گرچه برخی آن را مسألهٔ ما نمی‌دانند، اما مخاطبان فراوانی دارد. بنابراین و با توجه به مسائلی که گنتم تصمیم به ترجمه کتاب را گرفتم و آن را به انجام رساندم.

اما تاریخ فلسفه کاپلستون هم در واقع جزو منابع مختصر مفرد تاریخ فلسفه است و به گمان من نیز نوع همگاری در ترجمه این اثر به فارسی یک فعالیت فرهنگی قابل توجهی است و وقتی که از طرف انجمن علمی و فرهنگی ترجمه بخش دوم جلد نهم به من پیشنهاد شد؛ با خوشحالی پذیرفتم و اقدام به ترجمه نمودم که البته دو سال پیش ترجمه به پایان رسید و ارسال قرار است به چاپ برسد.

کتاب رسایل گندی که در حال ترجمه آن هستم، بیشتر به خاطر پیشنهادی بود که به من شد. چون در حوزه فلسفه اسلامی هم می‌سزل نبودم که یکی از فلاسفه بزرگ را ترجمه کنم. شاید علاقتی برون‌ی از علاقت برون‌ی همه‌ها شد و اگر فیلسوف دیگری هم پیشنهاد می‌شد، من کار را از رونویسی هم‌اامد البته در حال حاضر که در حال ترجمه آن هستم تازه متوجه شده‌ام که کار بسیار دشواری است. با اینکه تخصص من فلسفه اسلامی است و هر چه می‌دانم مشکل است. و این به دلیل زبان جایگزانه و در واقع نیخته فیلسوفان صدر اسلام است.

لطفاً کمی هم درباره کتاب و محروای آن بگویید.

کتابی مجموعه‌ریسه‌اشلی در طبیعات و فلسفه‌الهیات دارد. این رسایل هر کدام دربارهٔ موضوعی از موضوعات فلسفه عمومی و برخی هم فلسفه طبیعی است. چند رسالهٔ از این مجموعه دربارهٔ نفس، عقل، تاملی ابعاد جهان، حدود اشیا و فلسفه اولی و غیره است. این مجموعه دوجلدی است که محمد علی‌قلی‌زاده اوربوند، در سال ۱۰۵۰ پیش به‌صورت دو جلد بسیار خوب تصحیح و چاپ کرد که من از روی همان در حال ترجمه هستم. البته چاپ جدیدی توسط آقای رشدی‌رشد و همکار فرانسویش در دست انتشار است که امیدوارم به دست من هم برسد که متن صحیح‌تری از ترجمه کنم.

نوع تعاملتان با فلسفه غرب به چه صورت است؟

ما به‌عنوان تحصیلکرگان فلسفه اسلامی در عصر جدید، وظیفه علمی و پژوهشی خودمان می‌دانیم در حوزه‌های دیگر فلسفی هم که

فعال هستند و مسائل ناز‌های را به‌تالش وقوع تحولات برایشان مطرح می‌شود و به پاسخگویی آن همت گماشته‌اند. مطالعه داشته باشیم. به همین دلیل هم یکی دو کتاب از انگلیسی به فارسی ترجمه کردم.

فلسفه غرب به‌دو بخش آنکلیوسکتون و کنتیانتال تقسیم می‌شود و در کشور ما هر دو شاخه دارای مخاطب است. البته نوع دوم رواج بیشتری دارد. نوع اول به دلیل تحلیلی بودن و فراتر فلسفه تئوری آن با فلسفه تئوری خورمان، باعث توجه شده است. اما گرایش دوم که گرایش اگزیستانسیالیسم است تا همه‌ابعاد وجودی خود را هم از جنبی و سایر ادیان خود در ایران رواج دارد. هایدگر، سارتر، مازول، ملرو و اسپینوزا آشنایی هستند.

این پاینده به دلیل توجه خاصی که به انسان امروزی و مسائل او در فلسفه‌شان نشان می‌دهند، مورد توجه جامعه علمی شده‌اند. و دلیل آن هم به نظر بنده این است که فلسفه اسلامی تا حدودی از لحاظ توجه به انسان و مسائل پیرامون آن دچار نوعی خلأ است.

در واقع فلسفه ما ادامه سنت فلسفه ارسطویی است. سنتی که بیشتر توجه خود را صرف جهان‌شناسی کرده است. باضافه اینکه در



فلسفه اسلامی در حال حاضر همچنان ادامه بنیادی است که ملاصدرا در زمان خویش بنیان‌گذاری کرد

فلسفه اخلاق که یکی از شاخص‌های فلسفه اسلامی است. به دلایلی توجه به انسان رشد چندان نکود.

این تلاش‌توجه به انسان، مخصوصاً در عصر حاضر که گرفتاری‌ها و مشکلات روحی انسان دوچندان شده است باعث شد که مخاطب ایرانی اگزیستانسیالیسم را به سرعت جذب کند. که اضافه‌آنها از این حیث بسیار پرمایه هستند و بسیاری از فیلسوف‌فانسان با همین بحث مطرح شده‌اند. به‌ویژه اگزیستانسیالیسم دینی. که به رابطهٔ انسان و مسألهٔ ایمان توجه ویژه‌ای را کرده‌اند. آنها این رابطه وجودشناختی را بیشتر مورد توجه قرار گرفت.

عوض شما از مسأله تأثیر برگرفته‌اید؟

این دو کتابی که عرض کردم شاید دو کتابی باشد که مقداری هم وصف حال خودم باشد. چون فلسفه تحلیلی به انسان سرعت، دقت و باریک‌بینی می‌دهد. و اینکه انسان به سادگی و بدون لایهٔ عقل مسأله‌ای را قبول و آن بهره نخواهد کرد. به همین لحاظ فلسفه تحلیلی مورد توجه بود و از آن بهره‌جست‌نام و اما اگزیستانسیالیسم را هم به همان دلیل که عرض کردم، نوع نگاه انسان به مسائلی که بسیار جذاب است. مورد توجه‌م است و از آن بهره می‌جویم. بله من هم به این دو نسخه کم‌نمایش نیازمند و محتاطانی دارم.

وضعیت فلسفه اسلامی در حال حاضر به چه صورتی است؟
فلسفه اسلامی در حال حاضر همچنان ادامه بنیادی است که ملاصدرا در زمان خویش بنیان‌گذاری کرد و در این چند قرن اخیر اکثر فیلسوفان، شارحان و طراحان وی بوده‌اند. پس شاخهٔ غالب و محور غالب‌تر فلسفه ما حکمت متعالیه است. فیلسوفان عصر جدید که با مباحث فلسفی جدید هم آشنایی دارند و هم فلسفه اسلامی را درک کرده‌اند، توانسته‌اند در مجموع به نتیجه‌ای مبارک دست یابند.

منظورتان فلسفه طبیعی است؟

بله. آنچه که حاصلش فلسفه طبیعی شد، البته باید توجه داشت که هر نوع شایسته و معنادری بین دو راری یافت نمی‌شود. عقلایی باشد چون در فلسفه طبیعی عمدتاً تأیید به طبیی و معنای آزاد و لزوم و آثار آنها

توجه کنیم نه به صرف خود آن. آنجاست که می‌توان از یک فلسفه و تطبیقی همین سخن به میان آورد. پس به نظر من فلسفه اسلامی در یک دوره گذار از مرحله سنتی به مرحله نو و جدید است.

شخصاً به کدام شخصیت و مکب فلسفی اسلامی ملاصدت هستید؟

من خودم به لحاظ علاقه و به معنای تفکر فلسفی در بین فلاسفه اسلامی شیادینس از همه به این سبب علاقه داشته‌ام. تصمیم منند دلیل من هم در واقع تطبیقی است که روی به‌انداز در حدود عقل نشان می‌دهد و هر حاشی که برهان یا با هر مابلی کند. لیلی نازد که نگویید. و این عقل من از آن کوتاه است و اگر هم بااست بدیروم به لحاظ اینکه اقتضای ایمان نیست می‌پذیرم. حیرت‌بران این سخن و بعد ادعای اینکه من می‌توانم برای هر سؤال، جوابی را آسین داشته‌باشم. تحسین برنگذر است.

به نظر این سبیا در این موقع افله و راهبانی که مارانه می‌کنیم. افله نیستند و شکل فاسی دارند و نمی‌محوای برهمنی ندارند و یک سلسله خطابه‌ها و جدیاتی پیش هستند. این مسأله باعث پایه‌گذاری سنتی بسیار زیاد است که بعدها مرتبند فلسفه اسلامی حول محور یک فرد می‌چرخد و آن شدت تأثیرگذاری این سبب است.

در اکثر مصطف‌وی، مویز و تئوری که حاصلش مباحث یا شاگردانش است و عمدتاً در قالب تعلیقات و المباحثات است. می‌بینم که در بسیاری موارد استاد در جواب سؤال می‌گوید که فعلاً جواب این مسأله را نمی‌دانم و یا اینکه شاید بدین گونه باشد. ما سنت فلسفی مباحثه را در صدهای بعد تا حدودی از دست دادیم. این نوع نگاه خود تقویت‌کننده فلسفه و تفکر عقلانی است که ما باید بگیریم که پاسخ بسیاری از سؤالات هنوز ظرفیت پیدا کرده یعنی باعث می‌شود که ما یک پاسخ را هیچ وقت پاسخ قطعی تلقی کنیم.

آیا در خصوص ملامت‌کنای درباره این سبیا در دست تدوین و ترجمه‌های؟

الضافاً به‌تازها در زبان فارسی که در دیگر زبانها هم هنوز کتابی که به‌صورت جامع این سبیا را معرفی کند، وجود ندارد و این آرزوی من است که روزی این کار صورت گیرد. حتی بسیاری از اکثر استاد‌های صاحب‌نقادی شده است. هنوز شاید در کل عالم بزرگترین کتاب منصفی که نوشته شده کتاب مباحثات نشانهٔ این سبیا باشد. و معسفر از آن سراغ ندریم و جای کار بسیار دارد. من خودم چون به ایشان علاقه دارم، آرام‌متقن این سبیا را از ابراهیم‌مخلف به‌خوبی تدوین و جمع‌آوری می‌کنم و مقداری دست‌نویسته‌هایم را هم جمع کرده‌ام. اما به قدر کلیت یک کتاب نیست و بعداً کار خواهد بود.

وضعیت چاپ و نشر و تولید کتاب‌های فلسفه اسلامی را باید چه ارزیابی کرد؟

سؤال شما را در دو بخش جواب می‌دهم. اگر مراد کتاب‌های فلسفه اسلامی کتاب‌هایی باشد که در آنها محور تولید، منطق و فعالیت است و مسائل فلسفی اسلامی مطرح است و در جامعه شده باشد. باید بگیریم که در این حوزه بعد از انقلاب کتاب‌های بنیادیم، کتابی که محکم و استوار و چون کتاب‌های قدما باشد.

اما در حوزه‌های دیگر سببیا خوب است. مثلاً تولید کتب درسی در این زمینه که قبل از انقلاب اسلامی وجود نداشت. به‌وجود آنگار شهید مطهری که فلسفه را از نوع و انتقادی پیچیده باین کشور و زبان گشته و رفته فلسفه را به همه نشان داد.

در عین حال در این مباحث کتاب‌های متوسطی توسط نسل جوان تولید می‌شوند که جای امیدواری است. کم و بیش پیشرفت به سایر حوزه‌های علوم انسانی اگر در سطح بالاتری پیشرفت نکرده‌اند. خوشبختانه در سطح جامعه هم به فلسفه حمایت ویژه‌ای وجود دارد به‌شرطی که به مسخ‌نگری تبدیل نشود.

به نظر شما برای کمک به این پدیده چه می‌توان کرد؟

به نظر من نسل جوان باید مورگرفی فلسفه را انجام بدهد. یعنی تک‌نگاری‌هایی کند. گنگهٔ گنگهٔ خاص. از آن‌جکه که فلسفه، طای افراقت‌حسبی از نظر این سبیا با طایر خاص از نظر ملاصدرا به‌صورت خاص مورد بررسی قرار دهد. این مورگرفی در گذشته فلسفه اسلامی وجود نداشته و یک کتاب اول تا آخر مسائل را در برمی‌گرفت.

منظور شما تخصصی شدن حوزه‌هاست؟

بله درواقع تخصصی شدن، این مورد در بین نسل جوان نا‌حدودی هم پیدا شده. کتاب‌های مورگرفی که در رشد و بالندگی فلسفه اسلامی تخصصی‌ترین است. اینگونه کتاب‌ها و روشن شدن ابعاد و ابواب فلسفه اسلامی در ادوار مختلف می‌تواند چشم‌اندازی امیدوارکننده از آینده فلسفه اسلامی به ما بدهد. در کل مسأله مهم این است که مبلغ آسانی متخصصی جوان که هم فلسفه اسلامی را می‌شناسد و هم فلسفه جدید را در-حال تولید کردن هستند.

گفت و گو با دکتر یوسف ثانی

در باب فلسفه اسلامی

دیدار با دکتر غلامرضا اعوانی

یک مسیر فلسفی



هیچگاه این جمله استاد شهید مرتضی مطهری از خاطرم رخت بر نمی‌نماید که فرمود من ساینسگر آن معلمی هستم که اندیشیدن را به من بیاموزد نه اندیشه‌ها را، هنر بزرگ فلسفه به عنوان زبان اندیشه و مهمتر از همه رسالت عظیم فلاسفه چوئی جز خلق اندیشه و جولاگاه کشاندن عقل در دوتل یا عالم معنا نیست. لحنی آسودن با استادان فلسفه و شکار نگاه و خواندن زبان آنها زیبا است.

دیدار با دکتر غلامرضا اعوانی مدیر مؤسسه حکمت و فلسفه ایران و عضو هیات علمی دانشگاه شهید بهشتی با درجه استادی از نیز در همین راستا می‌توان ارزیابی کرد، نشستن با کسانی که نایبده‌ها، ناآشنیده‌ها و تازه‌ها را دیده، شنیده و رفته‌اند بسیار لذتبخش است.

پنج اسفند ۱۳۳۱ در خانه‌های مذهبی فرزندی به دنیا آمد که نام او را غلامرضا نهادند. نامی که نه تنها سمان به او می‌بالد، بلکه ایران و جهان فلسفه اسلامی و غربی کو ناقد می‌نهد. دکتر غلامرضا اعوانی از دوران طولیت قصبه آغاز می‌کند، از روزگاری که به جای کبستان و کورستان مکتب خانه بود، به ملای مکتب پولی یا ششی قبضی پاید می‌دانند تا اصول دینی کوید و قرآن بخواند و کاهی از کستان و یوسنان سعیدی سربلید. اعوانی از بازی‌های کودتاه خود در کنار درس مکتبخانه می‌کوید و از لحظاتی که مطهری عشق در علم او را از خود می‌خود کرده بود، شش ساله بود که به مدرسه شیخ علاءالدوله سمنانی رفت تا تحصیلات رسمی آغاز کند. علاءالدوله سمنانی یکی از عرفای قرن هشتم هجری بود.

او از معلمان دلشور آن روزگار یاد می‌کند که با نهایت عشق و علاقه درس می‌گفتند و درس می‌خواندند. از کتاب‌های دوران دبستان سخن می‌راند که عده‌ای آنها درس بودند و کاهی معلمین خوانند کتاب‌های کستان سعیدی، کلبه و دمنه و انور سهیلی را ترجمه می‌کردند. بنا به گفته غلامرضا اعوانی از روی کتاب «مقامات» دیگه نیز می‌گفتند. کتاب‌هایی که بیشتر از خط خوش نستعلیق نگاشته شده بود و خواندنش جذاب می‌نمود. اولین کتابی که او خوانده است، «قرآن را» به خاطر دارد. دکتر اعوانی در کتبستان بهران مسلمان با وجود آنکه درس ریاضی اش خوب بود علاقه و عشق به ادبیات و ریاضیات پیشی گرفت و با تسلیم ادبیات در سال ۱۳۳۴ وارد دانشگاه آمریکایی پیوست. شش در دوران تحصیلات متوسطه از دروس جزوی از قبیل سوطی و جامع التفتحات نیز بهره فراوان می‌برد. اعوانی درباره نحوه پذیرش در دانشگاه آمریکایی بیروت می‌گوید: «این دانشگاه به دانش آموزان ممتاز بورس تحصیلی می‌داد و بشری قبولی امتحانات تخصصی پیروزه زبان انگلیسی بود، اما آنکه من شهرستانی بودم و با چچه‌های تهران رقابت می‌کردم موفق به ورود به دانشگاه شدم».



فرهنگ کشور ایران یک فرهنگ عقلی و فلسفی بوده است حکمت و فلسفه در زندگی ایرانی همیشه استمرار داشته است و این یک امر تصادفی نیست

دروس دانشگاه آمریکایی بیروت در سال اول عمومی بود، به دانشجویان درس‌های حقوق، روان‌شناسی، جامعه‌شناسی، تاریخ و ریاضیات می‌گفتند و در سال دوم رشته تخصصی انتخاب می‌شد. اعوانی می‌گوید: «سال دوم بود که به فلسفه علاقه‌مند شدم. با استانی که از کشورهای آمریکا، انگلستان، آلمان و... بودند انس گرفتم، فلسفه غرب را در آنجا شروع کردم و با دکتر سیدحسین نصر که استاد مدعو در آنجا بودند دو یا سه درس گرفتم». اعوانی در سال ۱۳۳۵ وارد رشته فلسفه غرب فارغ التحصیل می‌شود و در از یون کارشناسی ارشد فلسفه غرب دانشگاه تهران پذیرفته و با پایان نامه «تطبیق وجودشناسی بین ملاصدرا و کانت»، در همان سال (۱۳۳۶) وارد دوره دکتری می‌شود و از استادی چون دکتر مهدوی، دکتر خاوری، پردی، الوالحسن، شعرائی و ابوالحسن جلیلی بهره فراوان می‌برد. استاد اعوانی وضعیت کلاس‌ها و کتاب‌های درس فلسفه را نیست و به وضعیت فعلی معارف می‌بیند و با اشاره به ترجمه عمیق و احساسی مسعودیت و اف استادان می‌گوید: «آن موقع چهار دانشجویم سه استاد در یک کلاس می‌آمدند و درس می‌گفتند و نتیجه آن کفیت بالای کار بود» اعوانی در سال ۱۳۵۵ یعنی کمتر از هشت سال از پایان نامه دکتری خود دفاع می‌کند و به تدریس فلسفه غرب و اسلامی در دانشگاهها رو می‌آورد.

دکتر اعوانی درباره وضعیت کتاب‌های فلسفه در دهه پنجاه و پنجاه با گناهی به تنوع استادان برجسته که تحصیلات کرده

کشورهایی چون انگلستان، آلمان، آمریکا و یا فرانسه بودند، می‌گوید: «آن موقع اگر کسی به کتابخانه دانشگاه ادبیات یا کتابخانه مرکزی دانشگاه مراجعه می‌کرد تقریباً همه کتاب‌های کلاسیک فلسفه به زبان‌های فرانسه، آلمانی و یا انگلیسی را می‌توانست بیابد، برعکس حالا که کتاب‌های انگلیسی غلبه دارد آن وقت‌ها تنوع بسیار بالا بود، ایشان با اشاره به زبان اصلی کتاب‌ها و نحوه مطالعه دانش پژوهان و دانشجویان رشته فلسفه می‌گوید: «در آن زمان به راحتی می‌توانستیم کتاب‌های فلسفه را به زبان اصلی خود مطالعه کنیم چرا که ترجمه محدود بود»

اعوانی توسل صرف به دانشگاه راه رسیدن به مقصود نمی‌داند و حضور در محافل علمی و فکری آن دوره را در توفیق خود مؤثر می‌داند و می‌گوید: «از الحسن حکمت و فلسفه استفاده بسیاری کردم، شفا را نزد دکتر محمود شهایی آموختم، علاوه بر بهرمدی از محضر پروفیسور هاری کرین از پروفیسور ایزوتسو که زبانی و صاحب نظر و فلسفه شرق و غرب و عرفان عقیدتی بود خیلی استفاده کردم. ایزوتسو به W زبان نشاط کامل داشت و زبان‌های قديم مثل زبان یونانی را خوب می‌دانست، بیست و دو سال بیشتر نداشت که قرآن را به زبان زبانی ترجمه کرده بود و از سال ۱۳۵۳ با دعوت انجمن حکمت و فلسفه به ایران آمد و در منزل برای دانش پژوهان درس می‌گفت. اکنون که فلسفه یونان تدریس می‌کنم بیشتر مدیون استاد ایزوتسو هستم».

دکتر غلامرضا اعوانی جوان تحصیلکرده فلسفه غرب و آشنا به فلسفه اسلامی در سال ۱۳۳۸ برای تدریس زبان و ادبیات انگلیسی به دانشگاه ادبیات دانشگاه ملی سابق و شهید بهشتی فعلی دعوت می‌شود و در سال ۱۳۴۹ با راه اندازی رشته فلسفه در این دانشگاه

به فلسفه اسلامی اختصاص دارد چرا که فلسفه اسلامی در انتقال فلسفه از یونان به غرب نیاز بسیاری داشته است، یعنی از قرن یازدهم و دوازدهم میلادی از طریق ترجمه آثار فیلسوفان مسلمان عربی به زبان یونان بود که غرب با فلسفه و فیلسوفان یونانی آشنا شد، به عنوان مثال فیرازی که با دو کتاب هیچ اثری از ارسطو به زبان لاتین ترجمه شده است و زبان علمی غرب زمین که لاتین بود هیچ اثری از آراء اندیشه ارسطو را نداشت از طریق ترجمه‌های فیلسوفان مسلمان بود که مراکز دانشگاهی برای تدریس این کتب از قبیل آکسفورد، کمبریج و پاریس از سال ۱۲۱۵ میلادی تاسیس شد. در شرایط فعلی نیز آثار متفکران ما به لاتین ترجمه شده است، گر چه این آثار درباره فلسفه غرب نیست اما بیان گر اندیشه‌های جدید در فلسفه اسلامی است. آثاری چون نه‌ایه الحکمه و بیدایه الحکمه اثر علامه طباطبایی برخی آثار دکتر سیدحسین نصر و آثار مرحوم شهید مطهری و... از این قبیل‌اند».

دکتر غلامرضا اعوانی خود نیز مقالات فراوانی را در کنفرانس‌های بزرگ فلسفه در سراسر جهان ارائه کرده است و با حضور در کشورهای چون آمریکا، کانادا، انگلیس، فرانسه، ایتالیا، آلمان، هلند، فلاندر، مجارستان، هند، پاکستان، مالتی، ژاپن، چین، ترکیه و... به ارائه نظر و رای در حوزه فلسفه غرب و اسلام پرداخته است. آثار پژوهشی وی را علاوه بر مقالات متعدد فلسفی در سه حوزه تصحیح متون، تالیف و ترجمه می‌توان برشمرد.

۱. تصحیح متون کتاب اعلام الشیوه تالیف ابوحنیفه رازی فیلسوف و متکلم قرن چهار هجری حدود سی سال پیش با استفاده از چهار نسخه قدیمی به زبان عربی با همکاری استاد صلاح الصاوی؛ تصحیح شده است. جلد اول کتاب «مفاهیر» که بزودی از سوی بنیاد سلسرا منتشر می‌شود و دیگر وجه الدین» اثر ناصر خسرو نیز به فارسی تصحیح شده است.
۲. ترجمه دکتر اعوانی در دو زمینه فارسی و انگلیسی ترجمه دار. جلد چهارم کتاب کالیستون که درباره دکارت، اسپینوزا، لایبنس و کانت است به فارسی ترجمه نموده است. «پهلوی قصیده» اثر ناصر خسرو قبادیانی به انگلیسی که در سال ۱۳۵۴ در لندن منتشر شده است.
۳. تالیفات: «معتبرین اثر تالیفی استاد اعوانی کتاب «حکمت و هنر معنوی» است. اعوانی که در حال حاضر تدریجاً به مهم فرهنگ جامعه فلسفی» را به اتفاق بسیاری از همکاران به پایان می‌برد، می‌گوید: «این اثر می‌تواند یکی از کتاب‌های مناسب و مرجع در حوزه فلسفه به شمار آید».

استاد غلامرضا اعوانی بالغ بر نیم قرن مجاهدت علمی همچنان به تدریس هنر اندیشمندانه هستی والا دارد و فوق و فوق را در نگاههای پر امید جوانان دانش پژوه می‌گذارد تا سرزمین دانایی و فراوانگی ایران زمین بی‌شکوفه خردمندانه این سرزمین مهران اندیشمندانی چون دکتر اعوانی است که سفر خرد و فراوانگی از تمدن سیمیا آفرینا و زرد چنین گرفته تا رومی رزمی‌های فرانسوی و انگلیسی است.



حسین مرادی

بنیاد حکمت اسلامی صدرا

بنیاد حکمت اسلامی صدرا در کنار دیگر موسسات و مراکز فرهنگی و هنری در مجتمع امام خمینی واقع در بزرگراه رسالت و رویه روی مصلای تهران قرار دارد.
مجمعی که بی شباهت به باغ‌های ایرانی نیست و جسیم درخت و چین‌های سرسبز آن بیشتر از ساختمان‌ها و اماکن آن به نظر می‌آید.
بی شک چنین مکانی باب طبع محققین و پژوهشگران ایرانی است که با مراجعه به آن چند صیاحتی را به دور از دود و دم و ترفیق سنگین تهران به مطالعه سری کنند.
بنیاد فلسفه اسلامی صدرا به مدیریت آیت الله محمد خاتمی، ساختنیی دو طبقه با بخش‌های متفاوتی از جمله بخش بین الملل، بخش گردآوری نسخ خطی، مجله تخصصی خردنامه صدرا، کتابخانه تخصصی فلسفه و بخش انتشارات است.
در این گزارش سعی شده که تاریخچه، وظایف و عملکرد بیان و هر کدام از بخش‌های آن به خواننده‌گان کتاب هفته معرفی شود.

تاریخچه شکل‌گیری بنیاد

در سال ۱۳۷۳ به پیشنهاد غلام معظم میرمنی شورایی به ریاست آیت الله محمد خاتمی تشکیل شد تا طرح کنگره‌ای بین المللی را در راستای معرفی و بزرگداشت حکیم عالی مقام ملاصدرا تنظیم و اجرا نمایند.
در ادامه ستاد برگزاری همایش بین‌المللی حکیم ملاصدرا تأسیس و پس از برگزاری چند سمینار مقدماتی با موضوعات روش تصحیح، روش ترجمه و روش ویراستاری و رسم الخط با حضور آسائید و کارشناسان این حوزه، در روز بزرگداشت ملاصدرا یعنی اول خرداد سال ۱۳۷۸ این همایش علمی و فلسفی برگزار شد.

یکی از مسئولین بنیاد در خصوص این کنگره می‌گوید:
«حوداً دوست فلسفون، خاتمی، پیش از هزار فیلسوف، دانش آورنده دانشجو و دانشجوی فلسفه داخلی در آن شرکت داشتند و در ظرف پنج روز بالغ بر ۴۰۰ مقاله علمی درباره خواننده شد. پس از برگزاری موفق این کنگره بود که با حمایت بی دریغ رهبر و رئیس جمهور و به پیشنهاد اساتید فلسفه، بنیاد فلسفه اسلامی صدرا شکل گرفت.

هر چند که برای حفظ، ترویج و شناساندن هر یک از فیلسوفان و دانشمندان ایرانی نیازمند چنین بنیادی هستیم اما

خصوصیات ویژه این فیلسوف بزرگ ایرانی و دانشنامه بودن مکتب فلسفی، افکار و اندیشه‌های ناب وی در سطح بین المللی از دلایل اصلی تأسیس این بنیاد بوده است.

هنس اصلی شورای علمی بنیاد استانی چون دکتر رضادوری اردکانی، دکتر ابراهیمی دینانی، دکتر محقق داماد، دکتر غلامرضا افغانی و با مدیریت آیت الله محمد خاتمی است.
در دیگر حوزه‌ها و به حسب نیاز بنیاد از اساتید دانشگاهی داخلی و خارجی مشاوره و کمک می‌گیرد.

اهداف داخلی و بین المللی بنیاد

مجموعه فعالیت‌های بنیاد معرفی فلسفه اسلامی و حکمت متعالیه صدرایی و تخصصی وی در داخل و خارج از کشور است که برگرد این محور اصلی در داخل و خارج از کشور برپا شده به چنین اهدافی تلاش می‌شود.

در بخش داخلی، برگزاری همایش‌های داخلی، آموزش و نشر حکمت در میان جامعه، آشنایی عمق با فلسفه و فلاسفه بزرگ ایرانی و اسلامی، جمع آوری، چاپ و ترجمه آثار ملاصدرا، چاپ مقالات، ایجاد مراکز پژوهشی، تأسیس پایگاه اساتید برای درجه‌بندی علمی اساتید فلسفه و اعزام آنها به کنفرانس‌های بین‌المللی، تأسیس پایگاه اینترنتی برای اساتید فلسفه و… از جمله اهداف بنیاد است.
راه اندازی سایت اینترنتی ملاصدرا (www.molavadr.org) بسیار مورد توجه مهاجران و علاقه‌مندان در داخل کشور شده است.
یکی از مسئولان قابل توجه این بخش است، در این سایت، مقالات فلسفی به دو زبان فارسی و انگلیسی قدیم خوانندگان می‌شود و تمام کتاب‌هایی که در این بنیاد به چاپ رسیده، معرفی و برای فروش در اختیار علاقه‌مندان قرار گرفته است.

بخش بین المللی با اهدافی چون برگزاری کنگره‌ها و همایش‌های بین المللی، منطقه‌ای مانند کنگره مشترک بنیاد و دانشگاه لندن، همایش منطقه‌ای ایرانی- عربی با همه کشورهای عربی در کیش، شرکت در دو کنگره بین المللی درم (ایتالیا)، همایش اخلاق اسلامی، بررسی و برنامه ریزی کنگره‌های بین‌المللی

کزارش



ملاصدرا، چاپ کتب ملاصدرا به زبان عربی و ترجمه آنها به زبان‌های انگلیسی، فرانسه، اسپانیایی، روسی، بلغاری، بوسنیایی و چینی، تماس با موسسات فلسفی جهان و همکاری با آنها چاپ و توزیع یک سلسله کتب فلسفه تطبیقی با همکاری موسسه بین المللی پدیدارشناسی در آمریکا و انتشارات Kluwer در هلند تحت عنوان گفت وگویی فلسفه اسلامی و پدیدارشناسی که جلد اول آن در سطح روسیه منتشر و چاپ شد، نگاهتد و ارتباط علمی با حدودسه هزار موسسه فلسفه در جهان و… به فعالیت می‌پردازد.

بخش بین الملل SIPRIN

این بخش در راستای تسهیلی به اهداف بین المللی فعالیت می‌کند و برای دو اجنس بین المللی ملاصدرا و اجنس داخلی ملاصدرا است. این دو اجنس بالغ بر ۲۰۰ عضو داخلی و بین‌المللی دارد. در کنار برگزاری هر کنگره جلساتی نیز برای اعضای این اجنس برگزار می‌شود.

برگزاری کنگره‌های داخلی و بین المللی برعهده این بخش است. همه کنگره‌ها هر سال در اول خرداد یعنی روز بزرگداشت ملاصدرا برگزار می‌شوند. کنگره‌هایی هر چهار پنج سال یکبار برگزار می‌شوند و تا به حال دو کنگره بین المللی برگزار شده است.

همایش‌های بین المللی

اولین همایش جهانی بزرگداشت حکیم صدرالمطهرین در سال ۱۳۷۸ در ساختمان اجلاس سران کشورهای اسلامی با حضور رئیس‌جمهور و عده‌ای از مقامات سیاسی و علمی برگزار شد.

هیأت رئیسه این کنگره دکتر غلامرضا افغانی، پروفسور ویلیام چیتکده، دکتر احمدی پورفسور ولفر، مارتنوگ و رئیس جلسه آیت‌الله محمد خاتمی بودند.
جلسات این کنگره در بخش فلسفه اسلامی و با نام‌های کمیسیون حکمت متعالیه، کمیسیون فلسفه تطبیقی، کمیسیون فلسفه اسلامی، کمیسیون عرفان و تصوف و بخش منطق و فلسفه غرب با نام‌های کمیسیون فلسفه غربی و نجله‌های مختلف آن، کمیسیون منطق و فلسفه منطق، کمیسیون فلسفه علم و کمیسیون شناخت‌شناسی برگزار شد.

در جریان برگزاری همایش خیرانه‌ای با دو زبان فارسی و انگلیسی هم منتشر شد. یکی از اقدامات مفید این همایش سازماندهی و گردآوری بانو فیلسوف و تحصیلگره در رشته فلسفه بود که نهایتاً به تأسیس انجمنی به همین نام منجر شد.
یکی از مسئولین بخش بین الملل دربارهٔ این همایش می‌گوید:
«یکی از مسئولان‌های همایش که شاید به چشم نیامد برچورد، گفت وگو و تبادل نظر بین مدعوین ایرانی و خارجی بود. این تعامل دوطرفه باعث شد که مدعوین داخلی با دیدی خارج ارتباط عالی برقرار کنند. ارتباط دوستانه‌ای که بسیاری از آنها تا به امروز ادامه دارد و قطع نشده است. بی‌شک این بل ارتباطی در آینده نتیجه مفید خویش را نشان خواهد داد»

وی همچنین می‌افزاید:
«مامی دایم که غرب در اشتباه تاریخی خود گمان می‌گرد که با این رشد، فلسفه اسلامی از میان رفته است. از این روستم که امروز غرب خود را بی‌شایسته و رهبر فلسفه جهان می‌داند. معرفی مکتب فکری ملاصدرا باعث شد که بسیاری از مدعوین در این نظریه تجدیدنظر کنند. نشان دادن توان مکتب ملاصدرا برای کمک به فلسفه جدید غرب برای اصلاح یا پر کردن خلل فلسفی غرب ستاندره بزرگی بود. این نکته در تضارت برخی از اساتید خارج از کشور در حال حاضر دیده می‌شود. یکی دیگر از نتایج مهم این همایش مرکزیت ایران به عنوان محلی برای بررسی فلسفه اسلامی و تقابل با فلسفه غرب بود. در حال حاضر اجنس بین المللی صدرا اعضای بین المللی زیادی دارد که مرتباً با هم در ارتباط هستند»

دومین همایش جهانی حکمت متعالیه و ملاصدرا در سال ۱۳۷۸ برگزار شد. این همایش با اقبال خوب خردمندان و دانشمندان ایرانی خارجی رویه‌رو شد و چیزی بالغ بر ۵۰۰ خالصه مقاله به دبیرخانه همایش ارسال شد که پس از بررسی توسط هیأت علمی ۳۱۰ خلاصه مقاله پذیرفته شد.

همچنین اجنس بین المللی ملاصدرا، گروه فلسفه دانشگاه تهران، قم، علامه طباطبائی، موسسه تحقیقاتی علوم الهیاتی دانشگاه تبریز و گروه فلسفه دانشگاه الهیات دانشگاه آزاد، در برگزاری این همایش شرکت داشتند.

در این همایش سخنرانان حاضرین پیرامون مسائل و مفروضات چون مکتب حکمت متعالیه ملاصدرا، مطالعات تطبیقی پیرامون ملاصدرا، مطالعات تطبیقی پیرامون فلسفه اسلامی و غرب، تاریخ فلسفه و فلسفه ایران باستان و آثار آن بر فلسفه جهان، فلسفه معاصر، پدیدارشناسی، مکتب وجودی، فلسفه تحلیلی فلسفه زبان، هرمنوتیک، پدیدارنوسم، فلسفه علم فلسفه لغز و شناخت‌شناسی، منطق و فلسفه منطق، الهیات و فلسفه، بین فلسفه اخلاق و سیاست، روش‌شناسی فلسفی و عهدشناسی، عرفان، تصوف و فلسفه و علم الحدیث، به سخنرانی و ارائه مقالات پرداختند.

گفتنی است که در این همایش، برای اولین بار در ایران به موضوع فلسفه برای کودکان توسط محققین داخلی و خارجی پرداخته شد. نخستین کارگاه آموزشی فلسفه برای کودکان، عصر سومین روز همایش با حضور اسکار برتینگر و تعداد زیادی از معلمان، دانشجوین فلسفه و اساتید داخلی و خارجی برگزار شد. این کارگاه (Work Shop) با استقبال فراوانی رویه‌رو شده است.

همایش داخلی و منطقه‌ای

هر ساله بنیاد در سالروز بزرگداشت ملاصدرا همایشی یک روزه را برگزار می‌کند که همایش ترمجین آثار ملاصدرا از آن جمله است. این همایش به منظور دستیابی به روشی یکسان در ترجمه آثار ملاصدرا در سال ۱۳۷۴ با حضور جمعی از اساتید حوزه دانشگاه و مترجمین این آثار برگزار شد. در این همایش مدعوین به بحث و تبادل نظر پیرامون این نامه ترجمه آثار ملاصدرا به فارسی پرداختند که پس از تأیید این آیین نامه مترجمین آثار ملاصدرا ملزم به رعایت این آیین نامه شدند.

چندی بعد از برگزاری این همایش واحد ترجمه آثار ملاصدرا با هدف تنظیم و تسهیل ترجمه آثار آغاز به فعالیت کرد. در بدو کار قرار بر این گذاشته شد که آثار ملاصدرا به ۱۲ زبان ترجمه شود. البته در اینجا قابل ذکر است که به همت بزرگان چون هاشمی کریمی، توشی هیکو آویوتسو، و… آثاری به زبان‌های انگلیسی، فرانسه، ژاپنی و اردو ترجمه شده است.
امید است دیگر زبان‌ها به تهاجریه این صورت نگرفته که کافی برای آشنایی با این فیلسوف برجسته ایرانی باشد.
نموش از این رو ترجمه‌های فراوانی برای واحد انجام و منتشر شد. این فعالیت همچنان ادامه دارد.

قابل ذکر است که اساتید بین همایشی یک روزه بزرگداشت ملاصدرا با عنوان حکمت عملی در مکتب ملاصدرا، در اول خرداد برگزار می‌شود.

اولین همایش منطقه‌ای ملاصدرا و فلسفه جهان معاصر، در جزیره کیش برگزار شد که مدعوین اصلی آن از میان کشورهای عربی بودند. به همین دلیل هم جزیره کیش به دلیل نزدیکی به این کشورهای برای برگزاری همایش انتخاب شد.
بخش عمده‌ای از هزینه‌های این همایش با سازمان کیش برعهده گرفت. در این همایش سیده محمد خاتمی و دکتر رضا داوودی با همکاری و مسخراتی پرداختند. در کنار همایش شبیهسازی کتب منتشر شده بنیاد گزار شد. همچنین در طول سه روزه همایش بیش از ۲۰ مقاله از استادان ایرانی و خارجی خوانده شد.

شناسایی و تصحیح آثار ملاصدرا

مجموعه‌های علمی که از بدو تشکیل ستاد برگزاری همایش جهانی حکیم صدرالمتألهین تأسیس می‌شد، بخش جمع آوری و تصحیح آثار خطی ملاصدرا بود. این بخش با دعوت از آکادمی‌های آثار علمی و آثار ملاصدرا فهرسی از نسخ خطی کتاب‌های ملاصدرا تهیه نمود که مجموعاً ۲۰۰ نسخه خطی شناسایی شد.

به دلیل پراکنده بودن نسخ خطی در کتابخانه‌های ایران این بخش توانست چهارصدنسخه از نسخ آوری کند. گردآوری تصویر نسخ و نیز تصویربرداری از کتب چاپ سنگی، توسط جمعی از کتاب‌شناسان برجسته کتابخانه‌ها انجام گرفت. پس از گردآوری نسخ خطی، طی جلساتی متعدد که با حضور شورای عالی برگزار می‌شد، افرادی جهت تصحیح آثار مشخص گردیدند که اغلب آنها از اساتید بنام سوزیه و زندگانه و دامل و خارج از کشور هستند. یکی از مسئولین این بخش در این خصوص می‌گوید: «در هر کتاب ملاصدرا نسخه‌های زیادی در اختیار مصحح قرار گرفت، بعضی کتاب‌ها ۱۰ نسخه، بعضی ۵ نسخه، ترتیب چاپ کتاب‌هایی که چندین جلد بودند براساس زمان تحویل کتاب توسط مصحح بود برای مثال جلد اول کتاب اسفار اربعه آخرین جلد چاپی آن بود چون بعد از همه به دست ما رسید. چاپ کتاب‌های ملاصدرا تقریباً تمام شده است و ترجمه‌هایی از آنها هم به چندین زبان انجام شده است.»

وی همچنین در این خصوص می‌افزاید: «کتاب بعد از تحویلی به مصحح بازخوانی و ویراستاری می‌شد و اگر اختلاف نظر بین مصحح و بنیاد وجود داشت بعد از بحث و مایل نظر و محل اختلاف کتاب به چاپ می‌رسید می‌شد. تصحیح هائلفادای انجام می‌شد و در پاروقی‌ها به اختلاف نظر‌ها اشاره شده است. برای مثال اگر در نسخه‌ای کلمه‌ای با نسخه‌های دیگر تفاوت دارد، در پاروقی به آن اشاره شده است که در نسخه ملا کتابخانه مجلس این کلمه آمده است. این کار به دلیل تفاوت بودن نسخه‌ها بسیار مشکل بود و بنیاد توانست نسخه‌ای روشن و کامل واضح را در اختیار علاقه‌مندان به فلسفه ملاصدرا قرار دهد.»

مجله تخصصی خردنامه صدرا

از بدو تأسیس ستاد در دستور بنیاد تصحیح بر چاپ مجله تخصصی خردنامه صدرا گرفته شد. این مجله در سال ۱۳۳۴ رزمی شکل گرفت که مجله تخصصی فلسفی و وجودگذاشت تا به سال ۱۳۳۸ شماری آن چاپ شده است. ویکن در سال بعد از انتشار به صورت فصلنامه درآمد. این مجله در تلاش است تا به تهیه و عرضه مقالات فلسفی اسلامی پودرذات‌الله در سری موارد به چاپ مقالاتی پیرامون فلسفه تطبیقی نیز می‌پردازد.

در ابتدا مجله به سه زبان فارسی، انگلیسی و عربی چاپ می‌شد که در حال حاضر تنها خلاصه‌ای از مقالات را به زبان انگلیسی چاپ می‌کند.

مقالاتی که توسط محاسنظران و اساتید فن ارسال می‌شود، در صورتی که با چارچوب و اهداف مجله مطابقت داشته باشد پس از بررسی و ارزیابی و کتب اعتبار لازم امکان چاپ می‌یابد. یکی از دست‌اندرکاران مجله دربارهٔ مجله و گفتو ترویج آن چنین می‌گوید: «بعد از مدتی مجله توانست مجوز بخش توسط بین المللی داروینتافت کند. در حال حاضر هم بسیاری از ایرانیان خارج از کشور و علاقه‌مندان به فلسفه حکیم اسلامی مشترک مجله هستند و مرتب مجله به آنها می‌رسد. مجله در سال ۱۳۷۶ از طرف وزارت علوم درجه علمی-تربیتی دریافت کرد تا جایی که امکان دارد و به خاطر دایم در مجله از مقاله ترجمه‌ای استفاده نشده است.»

وی همچنین می‌افزاید: «مجله به دلیل تخصصی بودن تنها به کدهای ارفاق دانشگاهی معروف داده می‌شود و اکثریاه کتاب‌رسانی‌هایی که به صورت تخصصی کتاب‌های فلسفی را عرضه می‌کنند،ده می‌شود بیام کتابخانه‌های مهم در سطح کشور مشترک هستند و مجله را دریافت می‌کنند. شماره ۳۸ مجله هم در بهار ارسال چاپ خواهد شد.»

کتابخانه تخصصی فلسفه

بنیاد در قدم اول تنها جمع آوری کتاب‌هایی که مورد نیازش بود می‌بود و بحث اما بنیاد احساسی کرد که نیازمند کتابخانه‌ای کامل تخصصی است که اساتید و اعضای انجمن‌ها در دانشجویران آن بهار گیرند. به همین منظور این کتابخانه در دو بخش فارسی و خارجی تأسیس شد. کتاب‌هایی که جمع آوری می‌شوند همه منابع علمی هستند و منتها تا جایی که امکان دارد کتاب‌های خارجی با زبان اصلی تهیه می‌شوند. در بخش خارجی اکثر کتاب‌ها به زبان انگلیسی هستند اما کتاب‌هایی هم به زبان‌های آلمانی، فرانسوی، ژاپنی، چینی، روسی و عبری در آن یافت می‌شوند که همه از همه‌گیر گفتگای شده‌اند.

کتاب‌های فارسی و عربی مرجم موجود در کتابخانه ۳۶۵ عنوان و کتاب‌های انگلیسی و دیگر زبان‌ها ۱۹۸۰ عنوان است. مسئول کتابخانه در خصوص اینکه آیا ترجمه‌های فارسی هر کدام از کتب به دیگر زبان‌ها در کتابخانه موجود است یا نه، می‌گوید: «نه، اساساً جمع آوری کتاب‌ها اینگونه نبوده است. چون بسیاری

از کتاب‌ها هنوز به فارسی ترجمه شده‌اند البته بسیاری از اصل مراجع و ترجمه‌های آنها موجود است که امیدوارم در آینده به این مهم دست یابیم.»

وی همچنین در خصوص قشر اسفاده‌کننده از کتابخانه می‌گوید: «همه اساتید و دانشجویران با رایبه معرفی نامه می‌توانند از کتابخانه استفاده نمایند. البته کتاب‌های خارجی آمانت داده نمی‌شود چون هم بسیار گران قیمت هستند و هم تهیه دویزیه آنها کار بسیار مشکل است.»

در کل اهدافی که این کتابخانه در تلاش برای دستیابی به آنها است عبارتند از: تجهیز مخزن و بخش مرجع کتاب‌های فلسفی، ایجاد بانک مقالات و ارتباط آن با شبکه اینترنت، ثبت فهرست کتب کتابخانه بر روی شبکه اینترنت تا کاربویران بتوانند از طریق رایانه کتاب مرجع را تروق نمایند. ایجاد فضای مناسب برای انجام پژوهش در زمینه فلسفه و فرهنگ اسلامی، ایجاد مخزن مجلات علمی، پژوهشی در زمینه فلسفه اسلامی و ایجاد بانک CD مقالات.

بخش انتشارات

کتاب‌های چاپ شده در سه بخش چاپ آثار تصحیح و ترجمه شده ملاصدرا، چاپ مقالات کنگره‌های داخلی و بین المللی به دو زبان فارسی و انگلیسی و چاپ کتب در زمینه فلسفه اسلامی و فلسفه تطبیقی است که اکثر کتاب‌های ملاصدرا چاپ شده‌اند و از انگریس بین الملل اول مقالات به زبان فارسی در ۱۲ جلد به زبان انگلیسی در ۱۰ جلد چاپ و منتشر شده‌اند. تا یزگی نیز بعد از به اتمام رسیدن آثار ملاصدرا به چاپ کتب فلسفه اسلامی اقدام نموده است. کتاب‌های چاپ شده این بنیاد به شرح زیر است:

کتاب فارسی منتشره بنیاد حکمت اسلامی صدرا

کتابشناسی جامع ملاصدرا، مقدمه بر

المشاعر ملاصدرا، سیر تحکمت در ایران و جهان

فارسی، دور مجلد خردنامه (هر جلد ۵۰۰۰۰

زبان)، مجله خردنامه جلد ۱ تا ۱۰، رساله سه

اصل، مجموعه مقالات همایش ایرانی عربی

کیش (۱۹۹۴)، مجموعه مقالات همایش

حکیم صدرالمتألهین (مهر واد ۸۱)، مجموعه

مقالات همایش جهانی بزرگداشت ملاصدرا

(فارسی ج ۱)، مجموعه مقالات همایش جهانی

بزرگداشت ملاصدرا (فارسی ج ۲)، مجموعه

مقالات همایش جهانی بزرگداشت ملاصدرا

(فارسی ج ۳)، مجموعه مقالات همایش جهانی

بزرگداشت ملاصدرا (فارسی ج ۴)، مجموعه

مقالات همایش جهانی بزرگداشت ملاصدرا

(فارسی ج ۵)، مجموعه مقالات همایش جهانی

بزرگداشت ملاصدرا (فارسی ج ۶)، مجموعه

مقالات همایش جهانی بزرگداشت ملاصدرا

(فارسی ج ۷)، مجموعه مقالات همایش جهانی

بزرگداشت ملاصدرا (فارسی ج ۸)، مجموعه

مقالات همایش جهانی بزرگداشت ملاصدرا

(فارسی ج ۹)، مجموعه مقالات همایش جهانی

بزرگداشت ملاصدرا (فارسی ج ۱۰)، مجموعه

مقالات همایش جهانی بزرگداشت ملاصدرا

(فارسی ج ۱۱)، مجموعه مقالات همایش جهانی

بزرگداشت ملاصدرا (فارسی ج ۱۲)، مجموعه

مقالات همایش جهانی بزرگداشت ملاصدرا

(فارسی ج ۱۳)، مجموعه مقالات همایش جهانی

بزرگداشت ملاصدرا (فارسی ج ۱۴)، مجموعه

مقالات همایش جهانی بزرگداشت ملاصدرا

(فارسی ج ۱۵)، خلاصه مقالات انگلیسی دومین همایش جهانی ملاصدرا

۱۳۸۳

کتاب منتشر شده بنیاد در سال ۱۳۸۳

۱. الحکمة المتألهیه فی الاسفار الاربعه جلد اول،

این کتاب شامل مقدمه‌ای حکیمانه از سومی مولف و در

باب نیازمندی انسان به علمی است که تمامی علوم بدان‌ها

نیازمندی می‌باشد. این بخش خود شامل یک مقدمه و شش فصل

است که مباحث سه فصل آن در باب وجود و انقسام آن و برخی

از احکام عدم و جعل و آنچه که مربوط به آن است در این کتاب

مطرح شده است.

۲. الحکمة المتألهیه فی الاسفار الاربعه جلد سوم،

این کتاب شامل چهار بخش است که هر کدام از بخش‌های

در قبل خود فصولی را شامل می‌شوند. مولف بخش هفتم را به

مباحث قوه و فعل و بخش هشتم را در ادامه مباحث پیشین به

حرکت و احکام آن و بخش نهم را به مباحث حدوث و قدم و

انقسام تقدم و تاخر و بخش دهم را به مباحث عقل و معقول

اختصاص داده است.

۳. الحکمة المتألهیه فی الاسفار الاربعه جلد چهارم،

این کتاب دربارهٔ سفر دوم از سفرهای چهارگانه در علم طبیعی

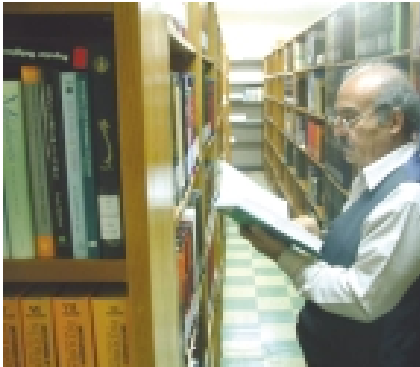
و شامل این بخش شش بخش یک مقدمه و چهار فصل می‌باشد و

مولف در قبل آنها به بیان مفولات و احیان مربوط به آنها می‌پردازد.

۴. الحکمة المتألهیه فی الاسفار الاربعه جلد هشتم

این کتاب شامل مباحثی از سفر چهارم درباره علم نفس

می‌باشد که در قبل آن هفت باب فر گرفته. مولف باب اول را



به بیان احکام علمه نفس، باب دوم را به بیان ماهیت نفس حیوانی، باب سوم را به بیان قوای نباتی و افعال و احکام آن و باب چهارم را به بیان علم نفس به عنوان مختص به نفس حیوانی و باب پنجم را به بیان علم نفس به ادراکات باطنیه و باب ششم را به بیان تجرد نفس لائقه انسانی و باب هفتم را به بیان احوال نفس ناطقه اختصاص داده است.

۵. مجموعه مقالات همایش جهانی حکیم ملاصدرا ۱۳۷۸

(جلد دوم، ملاصدرا، عرفان، کلام و حدیث)

این کتاب مشتمل بر دو ده مقالهٔ اسلامی و برگزیده از محققان

و پژوهشگان به مناسبت همایش جهانی حکیم ملاصدرا تحت

مقره کلام و فلسفه دین در ادامه پیشین و همچنین شامل

بیست و پنج مقاله تحت مباحث تصوف و عرفان می‌باشد.

۶. مجموعه مقالات همایش جهانی حکیم ملاصدرا (جلد

یازدهم، ملاصدرا و مسالهٔ فن معاد)

این کتاب مشتمل بر هفده مقالهٔ اسلامی و برگزیده از محققان

و پژوهشگان به مناسبت همایش جهانی حکیم ملاصدرا تحت

مقره علم النفس و معادشناسی می‌باشد که بیست مقاله در

فصل اول (علم النفس) و شانزده مقاله در فصل دوم (معادشناسی)

قرار گرفته است.

۷. مجموعه مقالات همایش جهانی حکیم ملاصدرا (جلد

دوازدهم، تعبیر و حدیث)

این کتاب مشتمل بر هفده مقالهٔ اسلامی و برگزیده از محققان

و پژوهشگان به مناسبت همایش جهانی حکیم ملاصدرا تحت

مقره تعبیر و شش مقاله تحت مباحث علم الحدیث می‌باشد.

۸. ملاصدرا و حکمت متعالیه

این کتاب به زبان انگلیسی و مشتمل بر شش فصل است:

فصل اول درباره زندگی ملاصدرا، فصل دوم درباره وجودشناسی،

فصل سوم درباره معرفت‌شناسی، فصل چهارم درباره نفس و

معادشناسی، فصل پنجم درباره آرای ملاصدرا دربارهٔ ادب و سیر، فصل

ششم دربارهٔ جمع بندی و نتیجه‌گیری مباحث پیشین می‌باشد.

دیدار با دکتر محسن جهانگیری استاد فلسفه غرب

و کتاب های که در راه است



طول زندگی خویش هیچ وقت ازدواج نکرد و تا آخر عمر در یک اتاق زیر شیروانی زندگی کرد و همانجا هم درگذشت. آناتول فرانس درباره وی می گوید: اگر ناپلئون عقل داشت مثل اسپینوزا، در یک اتاق زیر شیروانی زندگی می کرد

و چهار تا کتاب می نوشت. شما از وی چه کتاب های ترجمه کرده اید؟
کتاب های «اخلاق»، «شرح اصول فلسفه دکارت» و «تفکرات مابعدالطبیعی» ادین و دولت» و رساله مختصره را ترجمه کرده ام که دو کتاب اولی آن چاپ شده اند. اما کتاب «دین و دولت» را به دلایلی به چاپ نمی سپارم و کتاب رساله مختصره آماده است که همراه رساله های دیگر از وی منتشر کنم.

کتاب اخلاق کتاب بسیار مشکلی است و متنی سنگین دارد. من از متن لاتینی آن هم بهره گرفتم و در این راه از دکتر استغاف ناموسی کمک گرفتم و معنای دقیق اصطلاحات لاتینی را با مشاوره ایشان ترجمه کردم. کتاب اصول فلسفه دکارت شرحی از اسپینوزا بر تفکرات و مبانی فلسفی دکارت است. وی در کلاس های درسی خویش هنگام تشریح این اصول یادداشت هایی را هم می نوشته که بعداً به اسرار یکی از دوستانش آن را به صورت کتاب چاپ می کند.

به چه دلیل دو کتاب این عربی و یونانی نوشته اید؟
کتاب فرانسیسی یونانی اولین کتاب در زبان فارسی است که در شرح اصول، تفکرات و زندگی وی است. یونانی در شکل گیری دوران رنسانس و جهت دهی به آن تأثیر زیادی داشته است. وی هم فیلسوف هم ادیب بزرگ و هم سیاستمدار بوده است و می توان گفت آنچه در حال حاضر در اروپا می بینیم به نوعی تحقق عراب های فرانسیسی یونانی است. پس شناخت این فرد امر مهمی است و به این دلیل اقدام به نوشتن این کتاب کردم.

اتاقی کوچک و قدیمی با انبوهی از کتاب های تخصصی در زمینه فلسفه، اتالی بر دانشگاه ادبیات و فلسفه دانشگاه تهران که به تمام معنا مفهوم سانگی و کهنسال در آن می پیچد و ریاد و خاطر، دوران پر فراز و نشیب استادی و طی طریق را در خود حفظ کرده است.

دکتر محسن جهانگیری را در این اتاق ملاقات کردم و با وی به گفت و گو نشستم و وی متولد ۱۳۰۸ هجری شمسی است و در طول فعالیت تخصصی خویش کتاب های محی الدین ابن عربی، فرانسیسی، شرح اصول فلسفه دکارت و تفکرات مابعدالطبیعی، اخلاق، مجموعه مقالات و برگزیده متن فلسفی را تألیف و ترجمه کرده است. همچنین کتاب «اصنام الجمالیه» ملاصدرا به تصحیح ایشان است.

جناب دکتر چگونه وارد دنیای فلسفه شدید؟
از کودکی به تفکرات فلسفی علاقه مند بودم و درباره مسائل فلسفی می اندیشیدم. با این حال در رشته فلسفه را انتخاب کردم و در آن دوران از محضر استادانی چون غلامحسین سلیمی، دکتر سیداحمد فردی و دیگران بهره گرفتم. در دوره ما استادان بیشتر فلسفه غرب را تدریس می کردند و چیزی به نام فلسفه اسلامی وجود نداشت و به آن الهیات می گفتند.

رساله دکتری می تطبیقی است میان وحدت وجودی ابن عربی و وحدت جوهری اسپینوزا. ابن عربی از بینگدکاران عرفان نظری در اسلام است و بسیاری از عرفاء بخصوص عرفای ایرانی از وی تأثیر گرفته اند. همچنین اسپینوزا هم فیلسوفی به معنای واقعی شجاع و صریح بود. از دیگر سو اسپینوزا از لحاظ علمی و اخلاقی بسیار ساز اهمیت است. وی به سدی اخلاق خوبی داشت که حتی مورد احترام مخالفانش بوده. اسپینوزا فردی بی اعتنا به مقام و دنیای مادی بود و من بیشتر از این جنبه به او علاقه مند شدم. اسپینوزا در

همچنین ابن عربی به دلیل تأثیر بسیار زیادی که در عرفان ایران داشته برای ما ایرانیان دارای اهمیت فراوانی است. عبدالرحمن جامی، مولانا و دیگران از او تأثیر زیادی گرفته اند. با این حال کتابی که به شرح حال، تفکرات، استادان و شاگردان وی پرداخته در ایران نداشتیم. پس من به خاطر اهمیت فوق العاده وی در میان عرفان ایرانی، اقدام به نوشتن این کتاب کردم. همچنین این کتاب نایه حال به زبانهای اردو در پاکستان و عربی در بیروت ترجمه شده است.

کتاب ملاصدرا را به چه دلیل تصحیح کرده اید؟
قبل از من مرحوم دکتر دانش پژوه این کتاب را تصحیح کرده بود و وقتی بنیاد حکمت اسلامی صدرالان کار را پیشنهاد کرد، اول قبول نکردم. اما بعد متوجه شدم که دکتر دانش پژوه در تصحیح خود از نسخه دستنویس خود ملاصدرا بهره گرفته بود. سپس این کار را قبول کردم. همچنین در کتاب ایشان فهرست اصطلاحات و منابع احادیث وجود داشت که من در تصحیح خود آن را اضافه کردم. مقدمه ای از تفکرات و دستگاه فکری ملاصدرا هم به زبان فارسی بر آن نوشتم.

چهره های ماندگار فلسفه



رشته تخصصی فلسفه، ورود به دانشکده ادبیات دانشگاه تهران و اخذ دکتری فلسفه و بهره گیری از محضر اساتید برجسته دانشگاه، ریاست فرهنگستان علوم جمهوری اسلامی ایران، آثار فلسفه در بحران دفاع از فلسفه، نامه ای از تاریخ غربزدگی ما، فلسفه چیست؟ و...

دکتر کرم مجتهدی

۱۳۰۹ تیز
رشته تخصصی فلسفه، تحصیل در دانشگاه سوربن فرانسه و اخذ دکتری فلسفه، تدریس در دانشگاه تهران، همکاری با پرفسور کزین در تحقیقات رایج به ملاصدرا.
آثار: فلسفه فدای کشته فلسفه تاریخ منظر مگل، فلسفه در فزون وسطی و...

استاد شهید مرتضی مطهری

۱۳۲۸ فریمان
رشته تخصصی فلسفه اسلامی، تحصیل علوم دینی در زادگاه خویش و جوهره های علمیه شهید و قم، تقلد از اساتید و الاقوامی چون آیت الله بروجردی، امام راضی (ره)، علامه طباطبائی پایه گذاری مؤسسه حسینی فرهنگ و ارشاد اسلامی، ورود به دانشکده الهیات دانشگاه تهران و تدریس در آن، آثار: انسان کامل، عرفان حافظ، بیست گفتار، حکمت ها و اندیشه ها، اسلام و مقتضیات زمان و...



در دانشگاهها رئیس مؤسسه پژوهشی حکمت و فلسفه ایران، آثار: تصحیح وحه دینی نامری، ترجمه تاریخ فلسفه کپلستون، ترجمه کتاب ارسطو.

علامه حسن حسن زاده آملی

۱۳۰۷ آمل
رشته تخصصی فلسفه، عرفان، ریاضیات، فقه و معارف اسلامی، تحصیلات مقدماتی در آمل، تحصیلات حوزوی در قم و بهره گیری از محضر اساتید نامداری چون حضرت علامه طباطبائی، تحقیق و تدریس معارف اسلامی، آثار: خزائن، خلاصه المنهج، تصحیح اصول کافی، کلیله و دمنه، قرآن و انسان، هزار و یک نکته، دیوان شعر، رساله های در رد جبر و تعویض و اثبات امر بین الامرین.

دکتر محسن جهانگیری

۱۳۰۸ قزوین
رشته تخصصی فلسفه، ورود به دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه تهران، تحصیل در رشته فلسفه و اخذ دکتری فلسفه از همین دانشگاه، تدریس در همین دانشگاه، آثار: ناگفته های درباره محی الدین ابن عربی، ترجمه کتاب اخلاق اسپینوزا، گزارش مقالات متعدد تالیفی.

دکتر رضا داوری اردکانی

۱۳۱۲ اردکان



ساده چهره های ماندگار در سالهای اخیر از هشت بزرگوار حوزه فلسفه تجلیل به عمل آورد که نام، تاریخ و محل تولد، رشته تخصصی و شماری از آثار آنان در پی می آید. شایان ذکر است که چهره های ماندگار فلسفه در ایران کزین از شماست.

علامه سیدجمال الدین آشتیانی

۱۳۰۴ آشتیان اراک
رشته تخصصی فلسفه و عرفان اسلامی، تحصیل در حوزه های علمیه و استفاده از محضر اساتید بزرگ روزگار، تدریس در حوزه های علمیه و دانشگاه مشهد.

آثار: شرح فصوص الحکم، اصول المعارف، هستی از نظر فلسفه و عرفان، شرح حال و آراء فلسفی ملاصدرا و...

دکتر غلامحسین ابراهیمی دینانی

۱۳۱۳ دینان اصفهان
رشته تخصصی فلسفه، تحصیل در حوزه علمیه قم، اخذ دکتری فلسفه، تدریس در دانشگاههای فردوسی مشهد و تهران، آثار: قواعد کلی فلسفی، منطق و معرفت در نظر غزالی، دفتر عقل و آیت عشق و...

دکتر غلامرضا اوانی

۱۳۱۱ سناان
رشته تخصصی فلسفه، تحصیل در دانشگاه بیروت و تهران، تدریس

دکتر پوپ لامیر استاد هلندی تاریخ فلسفه اسلامی :

فارابی شاه‌کلید فلسفه اسلامی است

هلند سرزمین گلهاست، سرزمین رنگین همچون خود رنگین کمان دکتر پوپ لامیر، از فیلسوفان هلندی است که دکترای خود را در رشته تاریخ فلسفه اسلامی از دانشگاه لایدن هلند دریافت کرده است. وی به چندین زبان از جمله عربی و فارسی مسلط است، البته در تکلم فارسی هنوز به قول خود وی، حرفه‌ای نشده است. همین سببش زبانی باعث شده که وی مطالعات وسیعی با محوریت رشته و تخصص خویش داشته باشد.

لامیر نسبت به فارابی ارادت خاصی دارد و کتابی هم با عنوان «فارابی و قیاس ارسطویی» به زبان انگلیسی منتشر کرده است.

انجمن حکمت و فلسفه در مدت اقامت کوتاه وی در ایران، اقدام به برگزاری کلاس‌هایی برای ایشان کرد تا علاوه‌برمدان به تاریخ فلسفه و بخصوص اندیشه‌های فارابی از وی بهره‌گیرند.

کتاب هفت در حاشیه همین کلاس‌ها در انجمن حکمت و فلسفه گفت و گویی با وی انجام داد.

جناب دکتر چطور با فلسفه و حکمت ایرانی اسلامی آشنا شدید؟

من هلندی هستم، من ۳۰ سال پیش نسبت به مسأله فلسطین احساس همدردی داشتم، در هلند آن زمان از فلسطینیان بد می‌گفتند اما من احساس کردم که این گونه نیست. همین باعث شد که راجع شوم تا از فرهنگ فلسطینیان بیشتر بدانم. سپس به دانشگاه لایدن رفتم و در آنجا لیسانس زبان عربی را دریافت کردم.

در کنار زبان عربی به فراگیری زبان فارسی که زبان دوم من بود اقدام کردم. در آن زمان جزو یک کتاب کوچک و مقارنی دستور زبان فارسی توانستم بیشتر کار کنم. یادگیری زبان عربی تمام وقتم را گرفته بود. بعد از مدتی به مدت یک سال در مصر اقامت گزیدم و قاره‌ها را برای زندگی انتخاب کردم. این کار تنها برای آن بود که من زبان عربی روزی را یاد بگیرم و فعلاً این زبان را بسیار خوب بلد هستم.

بعد از گذشتن از مصر به هلند فوق لیسانس زبان عربی را از همان دانشگاه دریافت کردم که البته من فوق لیسانس زبان لاتین و تاریخ فلسفه را هم دارم. در دوره تحصیل در تاریخ فلسفه متأسفانه آن زمان تاریخ فلسفه غرب بسیار بیشتر از تاریخ خویش راوری تاریخ فلسفه اسلامی متمرکز بود تا در کنار کتاب‌های درسی سبیری کامل را طی کرده باشم.

بعد از این در دوره دکتری تاریخ فلسفه اسلامی شرکت

کردم و توانستم این دوره را در طول ۵سال در سال ۱۹۹۲ به پایان برسانم.

از کتاب «فارابی و قیاس

ارسطویی» بگوید.

در طول مطالعاتم با

فارابی که به وی احترام

ویژه‌ای دارم، آشنا شدم.

ببینید من فکر می‌کنم که

برای شناخت مسأله‌ای با

پروژه‌ای، بهترین کار

رفتن به سراغ اصل و بنیاد آن مسأله و پروژه است. شما زمانی

که اصل و بنیاد مسأله را خوب درک کردید تمام زوایای

مسأله را هم بخوبی درک خواهید کرد.

فارابی اولین فیلسوفی است که از وی کتاب‌های

بسیاری در تاریخ فلسفه اسلامی به جای مانده، ما همه

می‌دانیم که این سبب، این رشد، طوسی و دیگران تا حدود

زیادی زیر نفوذ و سیطره فکری فارابی بودند و به نوعی وی

شاه‌کلید فلسفه اسلامی است.



سپس من به این نتیجه رسیدم که برای درک درست و کامل از فلسفه اسلامی باید به سراغ فارابی بروم؛ چیزی که

هم باعث شد من کتاب‌های وی را مطالعه کنم و هم اینکه

فهمم که این مرد دارای جهان فکری بسیار وسیع و غنی

است. من از وی خیلی چیزها یاد گرفتم و فهمیدم. برای مثال

فارابی در دستگاه فکری خویش تنها از ارسطو تأثیر نگرفته

است و از شارحان این فیلسوف چون اسکندر آفرودیسی،

آمونیوس و دیگران تأثیر گرفته است. وی همچنین از قوم

سریانی که مسیحی بودند و در خاورمیانه بخصوص شهر

بغداد تلاش زیادی برای ترجمه کتاب‌های یونان باستان کرده

بودند، بسیار تأثیر پذیرفته است.

خب این به نظر من بسیار جالب بود که این حکیم فرزانه

از چه کسانی و یا چه فرهنگ‌هایی تأثیر گرفته است. اما مسأله

مهمتر که من از فارابی آمونیم، منطقی تطبیقی ایشان بود.

تطبیق در نظر وی اهمیت فراوانی داشت. وی فردی بود که

به منطقی بسیار اعتقاد داشت و در هر زمینه‌ای وجود منطقی را

لازم و ضروری می‌دانست. به همین دلیل هم وی استدالات

فقهی را از دیدگاه ارسطو تجزیه و تحلیل کرد. که نتایج آن

بسیار جذاب است. وی همچنین استدالات متکلمین را از

دیدگاه ارسطو تحلیل کرده است. من در زندگی خویش به

دو مسأله بسیار اهمیت می‌دهم اول اینکه مسائل نباید در حد

نظریه بمانند یعنی زندگی فقط اندیشیدن نیست و باید تجربه

شود.

پس شما عمل گرا هستید؟

نه، منظور من اعتدال در زندگی است و اینکه این دو

مسأله بدون هم هیچ ارزشی ندارند و دوم اینکه من به برآورد

و نتیجه نقالی فرهنگ‌ها در فرهنگ مغفارت بسیار علاقه‌مند

هستم و از نتایج آنها لذت می‌برم.

فارابی دارای هر دوی این خصوصیات بود یعنی به همین

دلیل به وی علاقه فراوانی پیدا کردم.

جناب استاد درباره خود کتاب بگوید و اینکه به چه سائلی

می‌پردازد؟

این کتاب به بررسی تاریخ منطقی ارسطویی در نخستین

سده‌های میانه در اسلام می‌پردازد و به نظر بسیاری از

کارشناسان، تحلیلی جامع و بنگانه و باب مکتوبات فیلسوف

پرواز مسلمان ابو نصر فارابی است.

این کتاب بر طیف گسترده‌ای از موضوعات مرتبط با

نظریه قیاس متمرکز است. بخش دوم کتاب به کاربرد قیاس

در حوزه فقه اسلامی می‌پردازد و با تحلیل زرف از شیوه و

چگونگی آمیختگی منطقی ارسطویی به اندیشه سیاسی مسلمین

به نتیجه گیری می‌پردازد. کتاب من می‌تواند مورد استفاده

علاقه‌مندان به تاریخ فلسفه اسلامی باشد.

واکش اروپاییان به این کتاب چه بود؟

متأسفانه در اروپا مشکل بسیار بزرگی در رابطه با فلسفه

اسلامی وجود دارد؛ اکثر این گمان هستند که فلسفه اسلامی

پایان رنده به پایان رسیده است. چرا این رشد را بسیار می‌شناسند؟

چون از وی کتاب‌های زیادی به یونانی از قدیم وجود دارد و

مورد مطالعه قرار می‌گیرد. اما متأسفانه از دیگر فیلسوفان بعد از

این رشد هیچ نشانی نیست که کسی با آنها آشنا شود.

پس در کل جامعه اروپاییه به این کتاب‌ها برای آنها نظر به‌ها

و شخصیت ناشناخته را به همراه دارد استقبال می‌کنند.

همچنین من بر این اعتقاد هستم که نه تنها در ۱۹۸۸م با فوت

این رشد فلسفه اسلامی به پایان رسیده بلکه همچنان با قدرت

به راه خویش ادامه داده است. وجود فردی چون مرحوم

آشتیانی در عصر حاضر نشان دهنده این امر است. وی

گشینه‌ای بود از این سبب، فارابی و ملاصدرا و غیره که به

ترتیب آمدند و رفتند و از خویش اثری به جای گذاشتند.

من عقیده دارم که حتی در حال حاضر هم اساتید بزرگی

در ایران حضور دارند و شخصاً می‌خواهم از محضر این اساتید

کسب فیض کنم.

عرفان ایرانی را چگونه می‌نگرد؟

ببینید من انسانی منطقی هستم و با عرفان میانه‌ای ندارم. هر

کسی از جایگاه خویش، من در جای خویش اعتقادی به عرفان

ندارم و این وجه فلسفی و منطقی من است که غالب است.

چه کارهایی در دست انجام دارید؟

در حال حاضر یکی از کتاب‌های ملاصدرا را به نام

«رساله فی التصوف التصدیق» در دست ترجمه دارم.

چرا ملاصدرا؟

چون به او اهتمام ویژه دارم.

نظر شما راجع به مکتب فکری او چیست؟

ببینید شناخت من از ملاصدرا از طریق دیگر کتاب‌ها

بوده، به همین دلیل هم جذب وی شدم. من هنوز باید روی

ملاصدرا مطالعه بیشتری انجام دهم تا به این سؤال پاسخ

گویم. من در حال حاضر برای این سؤال شما جوابی ندارم.

از کارهایتان می‌گفتید.

بله، من در چند حوزه تاریخ فلسفه و تاریخ فرهنگ مقاله

می‌نویسم. در حال حاضر یک مقاله در دست کار دارم که

هنوز به پایان نرسیده و جای کار دارد. این مقاله درباره آرای

«ابن حزم» فیلسوف اسپانیایی است. وی همچون فارابی برای

من جداییت دارد. وی بسیار جالب به رابطه جهات منطقی

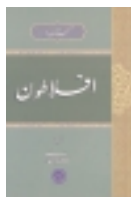
(ضروری، ممکن، منتهی) می‌پردازد و در این زمینه احکام

فقهی قابل توجه دارد. وی و فارابی اولین فیلسوفان تاریخ فلسفه

بوده‌اند که در این موضوع مقلد نوشته‌اند البته برای آرایه

این مقاله هم نیازمند وقت بیشتری هستم.

افلاطون



افلاطون، مؤلف: گسئون مه، مترجم: فاطمه خونساری، انتشارات موسسه پژوهشی حکمت و فلسفه ایران، چاپ ۱۳۸۳، دور ۲۳۳ صفحه. ترجمه کتاب افلاطون نوشته گسئون مر که از زبان فرانسه به فارسی انجام شده است از آثار موجز اما قابل توجه برای مطالعه‌مندان فلسفه، در ایران جهت آشنایی با فلسفه افلاطون است. گسئون مر، از افلاطون‌شناسان برجسته و استاد دانشگاه امپراتور و علوم انسانی دانشگاه میزون فرانسه است. نویسنده در این اثر به بررسی ابعاد گوناگون اندیشه افلاطون به زبانی که هم برای متخصصان و هم برای افراد غیرمتخصص مورد استفاده است، پرداخته و موضوعاتی نظیر وجود و معرفت، خدا، جهان و انسان، اخلاق و سیاست و... را مورد بحث و بررسی قرار داده است. مؤلف در فصل اول کتاب با عنوان «زندگی» به شرح زندگی افلاطون می‌پردازد. «افلاطون در آن و یاد آرزین که جزیره کوچک در دریای اژه مقابل پیره است (پایتخت فلسفی تجاری پلپوپتز) جزیره‌ای که بعداً به تملک آن درآمد، متولد شد، همان جایی که

پدر او قبلاً به عنوان مهاجر آنجا سکونت گزیده بود. فصل سوم کتاب، بخش چهارم با عنوان «اخلاق و سیاست» به آرا و نظرات افلاطون می‌پردازد. «افلاطون حکومت آرمانی را براساس این داده‌های اولیه تعریف می‌نماید. این حکومت باید عادل باشد یعنی می‌باید نظمی درونی را که حاصل اعتدال و تناسب و هماهنگی طبقات مختلف است، ارائه دهد. این عدالت به چندین شرط ضروری و ثابت به عنوان اصل بستگی دارد که مشابه با شرایطی است که قبلاً در رابطه با تعریف عدالت به عنوان فضیلت فردی مشخص شده است. در نتیجه یک مشابهت طبیعی و ساختاری میان نفس فردی و جمعی وجود دارد تا حدی که می‌توان آنچه را که در نفس فردی لطیف‌تر و دیرپاب‌تر است در اجتماع با حروف درست‌تری خواند (جمهوری، کتاب چهارم)».

«جنون الهی»، «مسئله افلاطونی»، «وجود و معرفت»، خدا، جهان و انسان» طنز سقراطی، روش تزکیه، «مامای، فن زایاندن نفوس»، «دیالکتیک و شناخت غیر مطلق»، «اسطوره‌واره انتخاب سرنوشت و تجدید نفس» و غیره از دیگر عناوین جذاب و خواندنی این کتاب است. البته در این کتاب آنچه که نباید به فراموشی سپرده شود ترجمه روان و دقیق خانم فاطمه خونساری است. ترجمه‌ای که شاید با خواندن سنگ نوشته آرامگاه افلاطون خود را بهتر بشناسد.

چگونه فیلسوف شدم؟
«چگونه فیلسوف شدم؟» مؤلف کالین مک

چهره‌ها و کتاب‌ها

استاد محمدرضا حکیمی

استاد محمدرضا حکیمی در سال ۱۳۱۴ هجری شمسی در شهر مشهد مقدس دیده به جهان گشود و در همان دیدار به تحصیل در حوزه علمیه مشهد مشغول و به درجه اجتهاد نایل شد. استاد حکیمی مقدمات، سطح و خارج و فلسفه اجتهادی و معارف قرآنی و اوصیایی را نزد استادان حوزه خراسان از ادیب نیشابوری تا شیخ مجتبی قزوینی و آیت الله العظمی میلانی فرا گرفت و در سال ۱۳۲۵ به تهران آمد. استاد محمدرضا حکیمی ضمن تحقیق و تدریس در محافل علمی و دانشگاهی دهها کتاب و مقاله را تألیف و تصنیف کرده است. وی از زمره دعوت‌گران جدی به آموزه‌های اهل بیت و استقلال معارف آنان از دیگر دستگاههای معرفت‌شناختی است و در تبیین آموزه عدالت آثار متعددی دارد از جمله ادبیات و تعهد در اسلام، دانش مسلمان، مکتب تفکیک، معاد جسمانی در حکمت متعالیه، خورشید مغرب، اجتهاد و تقلید در فلسفه، مرام جوادانه و قصد و عدم وقوع را می‌توان برشمرد. حکیمی را می‌توان فقهی فیلسوف نامید که اکنون بعد از هفت دهه از عمر خویش همچنان به تحقیق و تدریس مشغول است و در نشر فرهنگ و معارف اسلامی و آموزه‌های فلسفی نقش مهمی ایفا می‌کند و حقیقت آن است که نام محمدرضا حکیمی بر داناان و آگاهان فرهنگ و علم ایران و دنیای اسلام آشناست.



گین، مترجم عرفان نایی، ناشر گفتوس، چاپ سال ۱۳۸۳، ۲۱۶ صفحه.

کتاب تلاشی برای نمایاندن حسب حالی خواندنی که مخاطبش را مسائل مهم فلسفه معاصر در قالب توضیح سوانح فکری یک فیلسوف آشنا می‌سازد. تبیین فلسفه به شیوه‌ای قابل فهم و جذاب و تشویق به تفکر عقلانی و تأمل صادقانه از اهداف اصلی کتاب است. این کتاب مبنای سیاسی ندارد، بلکه با طرح مسائل نظری سعی در برانگیختن حس ک : ج ک ا و ی خوانندگان دارد. به اعتقاد نگارنده، کتاب نه حسب حالی کامل که حسب حالی فکری است، بنابراین تنها به تجربیات و روایتی پرداخته است که ارتباط مستقیم با زندگی فکری خالق اثر داشته است. وی از طرح تجربیات و روایتی که در ترسیم زندگی فلسفی اش نقش نداشته‌اند، خودداری کرده است.

همچنین نویسنده از به کار بردن اصطلاح «فلسفه تحلیلی» برای کتاب خویش گریزان است و بر این اعتقاد است که چنین برجسی واقعاً تنگ نظرانه است، زیرا ماده بحث من معمولاً گرفتن کلمه یا مفهوم و تحلیل آن نیست. من به سنت فلسفی اعتقاد دارم که با افلاطون و ارسطو شروع می‌شود و با لاک، بارکلی، هیوم، دکارت و لایب نیتس و کانت ادامه می‌یابد و به فرگه، راسل، ویتگنشتاین و اخلاق فلسفی متاخر آنها می‌رسد.

در نظر نویسنده این سنت به وضوح، دقت، پرهان، نظریه و صدق یا حقیقت تأکید دارد. به این ترتیب این کتاب به فلسفه دانشگاهی معاصر می‌پردازد. کتاب بجز مقدمه که به بیان آرا و نوع نگرش نگارنده می‌پردازد به هشت بخش، و با «اولین نشانه‌ها» شروع می‌شود که اشاره‌ای است به تولد و آشنایی نویسنده با معلم پرشوری به نام «مارش» که به بررسی وقایع و افکاری می‌پردازد که به اولین تجربه فلسفه وی می‌انجامد.

بخش دوم با نام «از روان‌شناسی به فلسفه» اشاره‌ای است به سکن‌گزیدن در منجستر و وقایع دوران دانشجویی نویسنده و آشنایی با آرا و نظرات برتراند راسل، شخصیت دوردستی که در زندگی فکری وی دخیل بود.

بخش سوم «منطق و زبان» با نقضای پذیرش از آکسفورد و نوشتن پایان‌نامه فوق لیسانس و آشنایی وی با استادی جوان در آکسفورد، همراه است. «ذهن و واقعیت»، «بابور، میل و ویتگنشتاین»، «آگاهی و شناخت»، «فرا فلسفه و ادبیات داستانی» و «شتر، زیبایی و منطق» دیگر عناوین فصل‌های هشت‌گانه این کتاب است.



به سوی متون اصیل

محمد بقایی (ماکان) : ضرورت

معرفی فلسفه ایرانی، اسلامی

است و محققان و نویسندگان به طرح آرا و اندیشه‌های فلاسفه دعاهای اخیر می‌پردازند. در حالی که چندان به فلسفه داخلی (اسلامی یا ایرانی) چه در نشر کتاب و چه در مطبوعات توجه نمی‌شود. به طوری که به عنوان مثال می‌توان گفت که الان هنوز تعدادی از آثار این سبنا و سه‌رودی به صورت کتاب منتشر شده است تا در اختیار مردم قرار گیرد. مجموعه این قضایا نشان می‌دهد که توجه ناشران و کتابسازان که در صحنه اندیشه مطبوعات فعالیت می‌کنند، معطوف فلاسفه غرب و اندیشه‌های آنهاست. البته این سخن به معنی نفی کردن آنها نیست بلکه آنچه موجب انتقاد می‌شود این است که به فلاسفه برآمده از حوزه تفکر اسلامی و ایرانی توجه نمی‌شود. با این مقدمه می‌توان نتیجه گرفت که بیشتر کتاب‌هایی که در حوزه آثار فلسفی در ایران منتشر می‌شود در حوزه فلسفه غرب است. البته این امر قبل از آنکه به ناشران مربوط باشد، به خود اهل فلسفه یعنی محققان، نویسندگان و مترجمان حوزه فلسفه برمی‌گردد و فکر می‌کنم تا حدودی این قضیه ناشی از افتان فرتان‌گرایی باشد. در حالی که ما هنوز سه‌رودی را به دست می‌عرفی نگه‌داشته‌ایم، حتی نظایرید فلاسفه غرب را که سه‌رودی نظرات و عقایدشان را چند قرن پیش مطرح کرده، معرفی کنیم. آنچه برای یک محقق و اهل فلسفه ایرانی باید مطرح باشد در مرتبه اول پرداختن به اندیشه‌هایی است که از ایران و حوزه اسلامی برآمده و تطبیق آنها با آنچه امروزه در حوزه تفکر مطرح می‌شود. این امر موجب می‌شود تا جوانان ما به خود ببالند که آنچه امروز در غرب بیان می‌شود، بسیار پیشتر در فرهنگ ما وجود داشته است.

برای مثال فیلسوفی مثل نیچه که امروز طرفداران بسیاری در ایران دارد در قیاس با فرهنگ و اندیشه‌های برآمده از ایران حتی یک مضمون محوری تازه بیان نکرده است. بسیاری از افکار و تفکر فلسفی غرب می‌بینیم. مثل رقصان قاف است که از فرهنگ ما خارج شده و پیچیده در زواری غرب به ما برگردانده شده است. رسالت یک اندیشمند، محقق و روزنامه‌نگار ایرانی این است که ابتدا به هویت فرهنگی خودش بپردازد. و قفس صفحات اندیشه و فرهنگ مطبوعاتی را در قفس می‌زیم. می‌بینیم بخصوص در روزنامه‌هایی که دعوی نوگرایی و اولنگار دارند در حالی که هنوز فیلسوفان بزرگ ما مثل ابن سینا و سه‌رودی معرفی نشده‌اند. آنها به معرفی فلاسفه غرب می‌پردازند.

و جمعیت ترجمه آثار فلسفی در بعد از انقلاب بسیار شدت گرفت. در دهه شصت و اوایل دهه هفتاد از کتاب‌های فلسفی در حوزه ترجمه استقبال بسیاری شد. بعد مجموعه‌های از آثار فلسفی منتشر شد مانند بنیادگذاران فرهنگ امروز که مورد استقبال قرار گرفت. اما این حرکت بعد به سمتی رفت که عده‌ای ترجمه‌های شتاب‌زده‌ای از آثار فلاسفه انجام دادند و آن کار اصل که توسط مترجمان برجسته مثل حسن لطفی و آقای علی‌دانش داشت شکل می‌گرفت، متوقف شد و آن آثار به تعلیق درآمد.

از اواسط دهه هفتاد می‌بینیم که یکباره کتاب‌های فلسفی آغاز شدیدی پدید می‌آید. در تمام دهه شصت و اوایل هفتاد آثار فلسفی بیشتر به شمارگان را داشتند و عتس این بود که بعد از پیروزی انقلاب اسلامی روی فلسفه تبلیغ شد و چون گرایش‌های فکری مردم به چون و چراها نزدیک

محمد بقایی (ماکان) : ضرورت

معرفی فلسفه ایرانی، اسلامی

است و محققان و نویسندگان به طرح آرا و اندیشه‌های فلاسفه دعاهای اخیر می‌پردازند. در حالی که چندان به فلسفه داخلی (اسلامی یا ایرانی) چه در نشر کتاب و چه در مطبوعات توجه نمی‌شود. به طوری که به عنوان مثال می‌توان گفت که الان هنوز تعدادی از آثار این سبنا و سه‌رودی به صورت کتاب منتشر شده است تا در اختیار مردم قرار گیرد. مجموعه این قضایا نشان می‌دهد که توجه ناشران و کتابسازان که در صحنه اندیشه مطبوعات فعالیت می‌کنند، معطوف فلاسفه غرب و اندیشه‌های آنهاست. البته این سخن به معنی نفی کردن آنها نیست بلکه آنچه موجب انتقاد می‌شود این است که به فلاسفه برآمده از حوزه تفکر اسلامی و ایرانی توجه نمی‌شود. با این مقدمه می‌توان نتیجه گرفت که بیشتر کتاب‌هایی که در حوزه آثار فلسفی در ایران منتشر می‌شود در حوزه فلسفه غرب است. البته این امر قبل از آنکه به ناشران مربوط باشد، به خود اهل فلسفه یعنی محققان، نویسندگان و مترجمان حوزه فلسفه برمی‌گردد و فکر می‌کنم تا حدودی این قضیه ناشی از افتان فرتان‌گرایی باشد. در حالی که ما هنوز سه‌رودی را به دست می‌عرفی نگه‌داشته‌ایم، حتی نظایرید فلاسفه غرب را که سه‌رودی نظرات و عقایدشان را چند قرن پیش مطرح کرده، معرفی کنیم. آنچه برای یک محقق و اهل فلسفه ایرانی باید مطرح باشد در مرتبه اول پرداختن به اندیشه‌هایی است که از ایران و حوزه اسلامی برآمده و تطبیق آنها با آنچه امروزه در حوزه تفکر مطرح می‌شود. این امر موجب می‌شود تا جوانان ما به خود ببالند که آنچه امروز در غرب بیان می‌شود، بسیار پیشتر در فرهنگ ما وجود داشته است.

برای مثال فیلسوفی مثل نیچه که امروز طرفداران بسیاری در ایران دارد در قیاس با فرهنگ و اندیشه‌های برآمده از ایران حتی یک مضمون محوری تازه بیان نکرده است. بسیاری از افکار و تفکر فلسفی غرب می‌بینیم. مثل رقصان قاف است که از فرهنگ ما خارج شده و پیچیده در زواری غرب به ما برگردانده شده است. رسالت یک اندیشمند، محقق و روزنامه‌نگار ایرانی این است که ابتدا به هویت فرهنگی خودش بپردازد. و قفس صفحات اندیشه و فرهنگ مطبوعاتی را در قفس می‌زیم. می‌بینیم بخصوص در روزنامه‌هایی که دعوی نوگرایی و اولنگار دارند در حالی که هنوز فیلسوفان بزرگ ما مثل ابن سینا و سه‌رودی معرفی نشده‌اند. آنها به معرفی فلاسفه غرب می‌پردازند.

و جمعیت ترجمه آثار فلسفی در بعد از انقلاب بسیار شدت گرفت. در دهه شصت و اوایل دهه هفتاد از کتاب‌های فلسفی در حوزه ترجمه استقبال بسیاری شد. بعد مجموعه‌های از آثار فلسفی منتشر شد مانند بنیادگذاران فرهنگ امروز که مورد استقبال قرار گرفت. اما این حرکت بعد به سمتی رفت که عده‌ای ترجمه‌های شتاب‌زده‌ای از آثار فلاسفه انجام دادند و آن کار اصل که توسط مترجمان برجسته مثل حسن لطفی و آقای علی‌دانش داشت شکل می‌گرفت، متوقف شد و آن آثار به تعلیق درآمد.

از اواسط دهه هفتاد می‌بینیم که یکباره کتاب‌های فلسفی آغاز شدیدی پدید می‌آید. در تمام دهه شصت و اوایل هفتاد آثار فلسفی بیشتر به شمارگان را داشتند و عتس این بود که بعد از پیروزی انقلاب اسلامی روی فلسفه تبلیغ شد و چون گرایش‌های فکری مردم به چون و چراها نزدیک



محمدباقایی

شد. این کتاب‌ها مورد استقبال قرار گرفت. اما متأسفانه کسانی که به عرصه ترجمه آثار فلسفی گذاشتند که فقط زبان می‌دانستند و این قضیه بازار کتاب‌های فلسفی را بسیار آشفته کرده طوری که خوانندگان اصیل کتاب‌های فلسفی نادره شدند و بسیاری محتاطانه با کتاب‌های فلسفی برخورد می‌کنند و تا صاحب اثر (پدیدآورنده ایرانی یعنی مؤلف یا مترجم) را نشناختند، به سراغ کتاب نمی‌روند چون بسیاری از آثار فلاسفه صاحب نام را مترجمان تازه کار ترجمه کردند که با اصل اثر فاصله داشت.

یکی از مشکلات بزرگ مترجمان ما هم در حوزه دین و فلسفه نداشتن معادلات هماهنگ است و به خاطر این من از سی سال پیش مجموع معادلاتی جمع آوری کردم که در هیچ فرهنگی نیست. از دو سه سال قبل این مدخل‌ها را بررسی کردم که کتابی شد با ۵۰ هزار مدخل که یک فرهنگ تکمیلی انگلیسی است که می‌توان گفت بسیاری از تاهماهنگی‌هایی را که در ترجمه آثار بخصوص حوزه دین و فلسفه وجود دارد می‌توان به کمک آن رفع کرد.

سیاوش جمادی:

ترجمه اصل آثار فلاسفه

در حوزه فلسفه اسلامی صلاحیت چندانی ندارم که



سیاوش جمادی

دهید خودشان هم حرف بزنند. تاویل‌هایی را که سلفه‌ای است بیرون بکنیم تا هایدگر هم حرف بزند و بعد هر چه می‌خواهیم آن را نقد کنیم. ترجمه آثار فلاسفه غرب در رفع معطل تماشای موروثی ما یا تفکر غرب کمک می‌کند. ما به ترجمه آثار اصلی فلاسفه نیاز داریم و خوشبختانه حوزه ترجمه در دهه اخیر زورزور شده است. هنوز کتاب اصلی هایدگر ترجمه نشده است. شاید چهل برابر آن تاویل و حرف درباره هایدگر بیان شده است. البته

خود ما انتشارات ققنوس قرارداد بستیم تا آثار اصلی هایدگر را ترجمه کنیم. ما هنوز هستی و نیستی، سارتر را ترجمه نکرده‌ایم. ترجمه مرحوم شکیبایور از سابق هست که البته آن ترجمه نیست و حجتش یک چهارم اصل کتاب است. آثار هگل باید ترجمه شود. کتاب معروف شپنهور «جهان همچون خواهرش و نمایش» باید ترجمه شود. چون تفکر غرب یک همایش و تمامیت است و هر متفکری، متفکر قبل را نقد کرده و چوب رابه دست بعدی داده است. چنین نیست که ما بر اساس

ایدئولوژی خودمان فیلسوف و متفکر را انتخاب کنیم که آن را امتیاز کنیم یا بگوییم. ما امیدواریم قضایای نیمه مونگراتیکی که در آن داریم رشد کند. در دانشگاه‌ها محیط تفکر مافضایی ایجاد شود تا دوباره تماشای را که با غرب گرفتیم، بازنگری کنیم. ما تیار به ارتباط با تفکر غرب داریم و در دوستی و دشمنی باید طرف مقابل مان را بشناسیم. در کتابی از آغاز تا پایان تفکر هایدگر که متن از آنچه دو جهان‌نگاری است را با کتابی که

اسانتی دین و الهام است، پیوند داده‌اند و بین این نوع کتاب‌ها گره زده‌اند. در سیاست هم انقلاب‌هایی ایجاد کرده‌اند که به یک تاپو تبدیل شده در حالی که در آن زمان جو آگنده از سیاست زدگی و خشم بوده است. خوشبختانه امروز فضای پارسی‌ساز ایجاد شده است. وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی حمایت‌هایی از حوزه کتاب

و نشر می‌کند. نشر به «رفیقان» مقالاتی از متفکران نوشته‌اند. نسل جوان را جذب کند و من باغات نمی‌گرم این نشریه را و با سبکی بولتی داشته باشد و این باغات امیدواری باشد. نفع همه است که غرب را به درستی بشناسیم تا به درستی نقدی کنیم. البته اگر قبلاً نقد باشد. امروز دوران انتقال و نقادی‌های شتاب‌زده سبزی شده و ما جویای این هستیم که با ترجمه متن اصلی فیلسوفان و متفکران غرب، اصل آثار در اختیار دانشجویان قرار گیرد.





سید محمود موسوی

یادداشت

فلسفه ورزی در عرصه الهیات

پس از آن که با آغاز عصر روشنگری دین در غرب رو به افول نهاد و روز به روز از اهمیت آن کاسته شد، اینک بار دیگر در چند دهه اخیر شاهد گرایش روزافزون محافل علمی-تحقیقی غرب به دین هستیم. اکنون دین امری مهم و شایان توجه شمرده می شود. یکی از آثار و نشانه های این گرایش روزافزون به دین و اهمیت یافتن دوباره آن را می توان روح پیش یکی از فیلسوفان فلسفه دین دانست. به گفته از فیلسوفان آمریکا در انجمن های دینی عضویت دارند.

احیای نگاه فلسفی به دین و ارزیابی میزان سازگاری دین با ملامت های عقلی، به جهان غرب محدود نمی شود و امواج آن به کشور ما نیز رسیده است. در دهه اخیر به واسطه جایگاهی که دین در جامعه و حکومت اسلامی ایران داشته، مباحث فلسفه دین هم کم و بیش در محافل علمی رواج یافته است. هر چند از تیر باز حکیمان و متکلمان مسلمان، مانند متفکران سایر ادیان، باب بحث عقلی درباره دین را گشوده بودند، اما به نظر می رسد برای ورود به نظریه پردازی فلسفی به سبک و سیاق معاصر و آغاز بحث های فلسفی، در باب دین آشنایی عمیق با مباحثی که در دنیای غرب مطرح شده نیز لازم است. کتاب مبانی فلسفه دین نوشته دیوید آی پلین اثر ترجمه توسط گروه مترجمان که بدین هدف توسط بنیاد کتاب قم به دست انتشار رسیده شده، این ویژگی را دارد که چنان که از عنوان آن پیداست، بحث های اساسی فلسفه دین را ارائه می کند و ضمن بحث درباره دیدگاه ها، استدلال ها و اشکالات جدی مطرح شده، سعی دارد آن ها را ارزیابی کند.

ارائه تصویری روشن و جامع از کتابی با این حجم که به طور فشرده مباحث بسیار متنوعی را مطرح ساخته، کاری بس دشوار و چه بسا ناممکن است. با این هدف می توان به نکاتی چند درباره آن چه دیوید پلین، فیلسوف دین و الهی دان معاصر انگلیسی، در این اثر انجام داده، اشاره کرد. نخست آن که موفقیه چنان که در پیشگفتار کتاب تصریح کرده، از میان همه ادیان، دین مسیحیت را کانون توجه خود قرار داده است. اشکالات و رد و حل ها، همه با اغلب، با توجه به این دین است. گو آن که مطالعه مسائل مطرحه می تواند برای پیروان سایر ادیان نیز خطر ساز یا کار ساز باشد. دیگر آن که مؤلف کوشیده است تا رویکردها و دیدگاه های مختلف را به اجمال مطرح سازد و چنان که خود وی در جایی دیگر از پیشگفتار آورده، بیش تر در صدد طرح مشکلات و چالش هاست تا ارائه راه حلی برای آن ها. وی سعی می کند مسیحیان را به تأمل و تفکر در باورها و معتقدات خویش وادارد و در عین حال که پاسخ های ارائه شده را قانع کننده نمی بیند بر این نکته تأکید می کند که ایمان مومنان به عنوان یک تعهد بنیادین

مایه های غنی و ارزشمند آن، اشکالات را پیش بینی و به موقع بنابر اندیشی و حتی راه حل های بهتری را عرضه کرد.

نکته دیگری که به مؤلف، اگر چه در ضمن مطالب، عمل گزارانه روی آورده و برای نهادها و اسطوره ها ارزش و اهمیت زیادی قائل شده است. رلی در غالب موارد از رویکرد واقع گزارانه به زبان دین و معرفت بخش بودن بیانات دینی جاگذاری می کند. با این همه، باید اذعان کرد که لحن نویسنده در مواردی ناآزرگنده است، اما در مجموع، می توان این کتاب را در عمیق باورهای دینی و شناخت مشکلات موجود بر سر راه کسانی که به جد خیرانان بررسی عقلانی و دفاع از آموزه های دینی اند، مدافعه جویانه تلقی کرد.

شاید بتوان پیام این کتاب را این چنین خلاصه



کرد: مدافعتان دین که رویکردی عقلانی در پیش گرفته اند راهی پر پیچ و خم و پر فراز و نشیب شیب روی دارند. شاید تلفیقی از رویکردها که تمامی مباحث انسانی را پوشش دهد بتواند همچون شبکه ای قوی و در هم تنیده، مدافعتان را در گذر از عقلانیت لجام گسیخته یاری رساند.

در خصوص ترجمه نیز چند نکته خالی از قایده نیست:

این اثر ترجمه ای است از کتابی با مشخصات زیر: David A. Pailin Groundwork of Philosophy of Religion, Epworth Press, 1986

ترجمه این اثر را جمعی از فضلا که در زمینه ترجمه فلسفه و کار صحیح، یکسان سازی و معادل هاروان سازی عبارات، رفع ابهامات و نهایی کردن کار بر عهده بنده گذارده شد. علی رغم کار زیادی که در جهت اهداف یاد شده انجام گرفت هنوز پاره ای از موارد به تصحیح کتاب خالی از ابهام و تعقیب نیست. این بنده کوشید در حد توان کاستی های ترجمه را به حداقل برساند، ولی به هیچ و ادعای نمی کند که در این راستا کاملاً موفق بوده است. در جریان ویرایش ترجمه نیز با استفاده هر چه بیشتر توانمندان، علاوه بر درج بازه ای از واژه های کلیدی در پاروئی، شرح حال بسیار کوتاه از شخصیت های مورد بحث، افزوده شده است. بی نوشت های مؤلف که در متن با اعداد انگلیسی و داخل قلاب [] نشان داده شده، در انتهای کتاب به تفکیک و ترتیب فصول برای دستیابی هر چه آسان تر علاقه مندان، آورده شده است.

که کارآیی آن در معنایار ساختن زندگی به تجربه بر آنها ثابت شده است. «بباید نیست که با این بادها بلرزه» و از ذهن و ضمیر آن مغلوب آثار ترجمه شده به این کتاب در مقایسه با اغلب آثار ترجمه شده به زبان فارسی، می گویند یا در پیش گرفتن سیاست «یکی به نقل و یکی به معنی» ذهن خواننده را برای تعمق بیشتر ورزیده کند و او را از هر گونه ساده اندیشی و ساده نگری بر حذر دارد، گو آن که در این راستا، به نظر نگارنده، از لغزش به دور نبوده است و نگاه از سر اساسا و به ویژه شریعت تمثیل که قوت و برز استدلالی آن بر اهل فن پوشیده نیست مطالبی را، بویژه درباره معجزات، قدرت و علم باری تعالی، به قلم آورده که با سخنان دیگری در همین کتاب سازگاری ندارد. لذا انتظار می رود که اظهارات نویسنده، در یک یا چند صفحه ملامت داری قرار نگیرد، چرا که وی در جای جای کتاب

خدا یا پوران را در یافته می گویند تا به دور از تعصب، مگر در مواردی نادر که من و بنیاد مسیحیت سخت به عطر می افتد، درباره ارزش معرفتی باورهای دینی داری کند. مگر می موفقیه دین، کتابا نیست. است، گرچه در انتهای بحث مسیحیت را آماج انتقادهای اساسی قرار داده است.

هدف از ترجمه این کتاب ارائه نمونه ای از فلسفه ورزی در عرصه الهیات و آموزه های دین و آشنایی با نقاط قوت و ضعف یکی از هاست کهن خدا یا پوران در جهت تثبیت آموزه های خود و مبارزه با موج الحادی است. مطالعه این کتاب نشان می دهد که الهیات همچون سایر رشته ها پویا و با شرایط زمانی در تعامل بوده است و در این راستا، مدافعتان دین همواره با چالش های جدیدی مواجه بوده و هرگز نمی توانسته اند به صرف بازگویی و تکرار ملال آور راه حل های موجود به ایرادات پاسخ گویند، بلکه ناگزیر بوده اند که پیوسته به فکر راههای عمیق تر و بدیع تر باشند و از راستگی به یک مکتب و مرام فلسفی خاص خودداری کنند.

بنابراین، می توان با استفاده از تجارب تلخ و شیرین دیگران و با تکیه بر منابع سنت خودی و درون

کتاب

باور خردمندان

باور خردمندان، شرح و ترجمه و مقدمه ای بر اعتقاد الحکما، از سهروردی فردی و فردالدین ادمهر، تهران: قرآن و روز، ۱۳۸۴، ۱۲۸ صفحه.

در مقدمه کتاب سیر تاریخی فرهنگ و تفکر، بویژه حرکت هار کوشش های حوزه کلام و فلسفه تا دوره سهروردی به اجمال بازگشته است. سپس ترجمه رساله اعتقاد الحکما - از عربی به فارسی - فراهم آمده است. سهروردی در اعتقاد الحکما، خلاصه و گزیده ای از معتقدات حکما و بالاخص باورهای خود را بیان می دارد. او در ابتدا به طور اجمال و بعد به طور تفصیلی هر یک از موارد مشترک دین و فلسفه را می شمارد و حکما را به آن مؤمن می بیند. بخش اصلی کتاب شرح و بررسی این رساله است.

شماره ۲۲
۲۰ اردیبهشت ۱۳۸۴
دوره کتاب فلسفه

نگاه دکتر شبرام بازوی

ترجمه‌های موجود



ولی قابل استفاده نیست. ایشان در ادامه با اظهار تعجب از اینکه براساس همین ترجمه‌ها نظر پرورداری فلسفی صورت می‌گیرد بر این باور است که بدون مراجعه به اثر اصلی نمی‌توان در حوزه فلسفه به نظریه‌پردازی روی آورد. دست سوسنی نقد بازوی که به مترجمین ختم نمی‌شود و مجیدهای دانشگاهی را نیز نشانه می‌رود چرا که روی معتقد است گروه‌های علمی در دانشگاه‌ها تیرسنداند خود را دقیقاً با سیر تفکر در زمان جدید مطبق کنند. چرا که ابتدا آثار بعضی از فیلسوفان معاصر در بیرون از دانشگاه و مطبوعات طرح و سپس آسانیده فلسفه وارد طرح و بحث آن در دانشگاه‌ها می‌شوند.

استاد بازوی با اتفاق از اینکه به بهانه اسپانی مواریث گذاشتن به باستان‌شناسی فلسفی روی آوردیم سخن از جریان زنده و پویای فلسفه به میان می‌آورد و می‌گوید ما از جهت اسپانی مواریث گذاشتن و فهم و فهمیدن و تحلیل مثلا به نوس باستان‌شناسی فلسفی مستقیم، حافظه که یک باستان‌شناسی از گذشته‌های را پیدا می‌کند که آن گریه‌هایی از حیات و آرزو و قدیمی بودن است ما هم در تفکر فلسفی و حکمی خودمان همین کار را می‌کنیم. بازوی می‌گوید تفکرات فیلسوفان آرش داند مثل این سینا، ملاصدرا اما نه به عنوان متفکری که همیشه در حیات فکری ما داشته باشند. آنچه از سخن بازوی پرورش می‌شود زنده شدن اندیشه فیلسوف و پویایی و در جریان بودن آن است نه اینکه صرفاً فیلسوف را به خاطر آثاری که در گذشته نگارش یافته است ارج نهمیم. وی در ادامه بحث می‌گوید اگر نگاه ما به فلسفه مانند باستان‌شناسی باشد نهایتاً به شرح و تحلیل درون متنی منحصر می‌شود و لذا اثری که بتواند افکار و فلسفیان گذشته ما را به عنوان فیلسوف و متفکر معرفی کند نه به عنوان آثار فلسفی مربوط به گذاشتن اسپانیا لاک است. شبرام بازوی درباره این دورگش در غرب و ایران و نگاه انسان امروزی به فیلسوفان و متفکران در گذشته می‌گوید «چونان ملاصدرا به فلسفه باطنی اثری را پیدا نمی‌کند که بتواند این سیاه چینه گفته، بنابراین می‌گوید این سینا به چه کار می‌آید در حالی که هنوز در غرب افلاطون راهگشای تفکر است.

از درجه‌ای که بازوی به فلسفه و کتاب‌های فلسفه چشم پوشم دوخته است نیز تصاویر زیبا و امیدوارکننده وجود دارد زیرا وی از ترجمه آثار



دکتر شبرام بازوی فارغ التحصیل فلسفه از دانشگاه تهران و عضو هیات علمی و روس گروه ادیان و عرفان موسسه حکمت و فلسفه ایران است. وی با نگاشی به کتاب‌های فلسفی در ایران افتادنی را منوجه بخش ترجمه می‌کند و معتقد است که در زمینه فلسفی ما به ژورنالیسم فلسفی در ترجمه رسیدیم.

دکتر شبرام بازوی با اذعان به اینکه طی سال‌های اخیر به کتاب‌های فلسفی اقبال شده است، بخصوص در حوزه پست مدرن، می‌گوید: «بسیار گفتم فلسفی و علمی نیست، بدین معنا که کلاً آثار اصلی فلسفه‌های اخیر ترجمه شده است و ترجمه جدید هم صورت گرفته است چرا که بیشتر کتاب‌های فرعی در موضوعات اصلی ترجمه شده است. وی همچنین در حوزه فلسفه غرب معتقد است که آثار اصلی در فلسفه غرب نتیجه فروری و فوئی نیست بلکه باید سال‌ها خوانند و فکر مداوم کرد و حمایت‌های دولتی را پس بلند چنانچه در کشورهای خارجی چاپ و ترجمه این کتاب‌ها دشوار است. فارغان زیرا خریداری زیادی هم ندارند، بازوی می‌گوید: «این نکته اشاره می‌کند که مترجمین آثار فلسفی اهل ایران کار نیستند و می‌گویند کتاب‌های فلسفی را ترجمه می‌کنند. اغلب اهل فلسفه نیستند و مترجم مباحث عمومی هستند. لذا ترجمه این آثار برای یک جور هم‌پایان مافکر و فیلسوفی که اثر آن ترجمه می‌شود نیست و از این رو آثار فلسفی در ترجمه اقبال می‌شود. این استاد فلسفه نیز خود سه‌هفت با کتاب‌های فلسفی سرد کار دارد. می‌گوید: «کتاب‌های ترجمه شده در حوزه فلسفه می‌بینم که اصلاً مترجم مطلب نمی‌شود و بعد که به اصل مطلب مراجعه می‌کنم می‌بینم که ترجمه فقط به لغت است و بعد از آنکه مترجم مقصود مترجم و با صاحب اثر با یاد ترجمه لغت به لغت کرده است.

شبرام بازوی به ویژگی‌ها و شرایط مترجم تخصصی می‌پردازد و می‌گوید: «مترجم باید اهل نظر، تفکر و تفکر باشد و بتواند با مؤلف هم‌زمان باشد. در کشور‌های غربی آثار ویگنشتاین را ترجمه می‌کنند، خود مترجم اهل نظر است و قلب مترجمین در کشور‌های غربی صاحب نظر در آن حوزه مورد ترجمه هستند.

وی با اظهار تأسف از وضعیت ترجمه کتاب‌های فلسفی در ایران می‌گوید: «مفاهیم ما به یک ژورنالیسم فلسفی در ترجمه رسیدیم و مشکل دیگری آن است که اساساً هیچ فلسفه‌های مدرن و پست مدرن یا تئیه فلسفی و فلسفی ما در ایران ترجمه نمی‌شود. یعنی ما در آن سرفلسفی فلسفی هستیم. لذا اندیشیدن و تفکر چیزی است که کمابذ برای ما نانشناخت و باطن زبان متسبب با آن مشکل است.

بازوی می‌گوید برای مثال اگر خواهیم کتاب اقتصد نقل محضی از کتابت را به فارسی برگردانیم اولاً باید به متن اصلی آلمانی برگردانده شود و ترجمه انگلیسی آن کتاب اسبست خوانده می‌شود. در این ترجمه اگر انگلیسی به فارسی برگردانده شود بسیاری از اصطلاحات و معانی کتاب اسقاط می‌شود. وقتی به فارسی ترجمه شود مطلب دو چندان می‌شود.

ملاز برای کتاب کانت سه نقد را به کار برده. نقد های Agreement, Disagreement هر سه سهاپا از فارسی به شی ترجمه می‌کنیم در حالی که در فلسفه کانت دقیقاً این سه تا هم معنای بی‌شود را هر کدام غسوری از معنی شی. است که نشان دادن آن در فارسی مشکل است. حتی در ترجمه آن به انگلیسی به این غلوط دقیقاً اتفاقا شده است.

مدیر گروه عرفان و ادیان موسسه حکمت و فلسفه ایران بر این باور است که مترجم باید به سابقه زبان و تفکر یک علم آشنا باشد. وی با اتفاق از مترجمین می‌گوید مترجمین ما غالباً با سابقه تفکر زبان فارسی و اصطلاحات عقلی و فلسفی و عرفانی کاملاً ناآشنا هستند. چه بسا که نشا معنی بحث لغتی یک لغت را از روی فرهنگ لغت پیدا کنید ولی آن معنی حقیقی نیست. بنابراین مترجم باید تاریخ تفکر فلسفی در ایران و زبان فارسی آشنا باشد. بازوی علی‌حده ضعف ترجمه‌های فلسفی را مشکل بودن آثار مدرن در فلسفه غربی، کم‌اهمیتی مترجمان از جوان‌فکری و عدم آشنایی با آثار فلاسفه در غرب به آشنایی عمومی و سطحی را موجب فراموشی ترجمه در حوزه فلسفه می‌داند. آن هم بازوی که بر از کتاب ترجمه است.

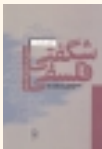
فلسفی در ایران با مثالی از کتاب فلسفه اولی، آئی شعرائی که از فرانسه به فارسی برگردانده شده، چنین نتیجه می‌گیرد و می‌گوید: «در این کتاب اصطلاحاتی که آئی شعرائی آورده‌اند به قدری دقیق است که در زمان ایشان سال ۱۳۳۶ این اثر ترجمه شده است. آثار ترجمه به زبان فارسی به اندازه لگنتان دست نود است. نحوه ترجمه ایشان بحث لفظی نیست بلکه ناشی از هم‌زمان شدن و هم‌تکرار شدن است.

وی در ادامه می‌گوید: «براساس این نوع ترجمه‌هاست که تضامیند به نحوی به فلسفه فلسفی رسیدیم. ایشان را یک جمع بندی به این نتیجه می‌رسند که فلسفه تفکر است نه قول و گفتار و فلسفه تفکر در زبان است و بدون زبان نمی‌شود. تفکر کرد متفکران را سطران این رشد که خود فیلسوف است ترجمه کرده است نه مترجمان رسمی و عمومی، حتی ترجمه‌هایی که از مرحوم اسدآبادی را به جامانده است اصلاً مفهوم نیست. بنابراین در ترجمه‌های آثار فلسفه باید اهل فلسفه و صاحب نظر در آن قدم به ترجمه کنند.

در پایان بازوی آثار کتاب‌های فلسفی در ایران را داغ دانسته و کتاب‌های اسلامی را نیز کم‌نمی‌داند. اما معتقد است که آثار جدید و قابل اعتبار بسیار کم است و این حاکی از ضعف و بایمانی تفکر در حوزه فلسفه است.

کتاب

شگفتی فلسفی



شگفتی فلسفی، نویسنده ژان هرش، مترجم دکتر عباس باقری، نشر نی، چاپ ۱۳۸۳، ۳۳۰ صفحه.

کتاب سر آغاز اندیشه‌های فلسفی است. الگوری طرح پرسش‌هایی است دربارهٔ بدیهه‌های چون هستی، جهان، ماده، بدیهه‌هایی که از شدت خیره‌کنندگی مانع دیدن درک بی‌واسطه‌ای از آنها می‌شوند و تأمل فلسفی را ضروری می‌سازند.

این پرسش‌ها و این تأمل، قرن‌ها پیش در یونان بیدار آمد و از آن پس به امروز پیوسته مسبب محرک اندیشه‌ورزی فلسفی بوده است. دست یافتن به پاسخی قاطع و نهایی برای این پرسش‌ها در چشم‌انداز انسان کنونی و شاید انسان آینده‌های بسیار دور نیز، ممکن نمی‌نماید. گروهی بسیار این راستی را ابد ناممکن می‌دانند. بنابراین شگفتی فلسفی تا دوره‌های دور و شاید برای همیشه همراه انسان خواهد بود.

ژان هرش کار فیلسوفان نامدار را که مظهر این شگفتی همیشگی بوده‌اند از این دیدگاه بررسی می‌کند و در نتیجه تاریخ فلسفه‌ای بدیع و کامل آسانسبنا بسیار کوتاه، با زبانی روان و جذاب تدارک می‌بیند.

پانو ژان هرش بیست سال استاد فلسفه در دانشگاه ژنر بوده و مدیریت بخش فلسفه یونسکو را نیز به عهده داشته است.

وی در کتاب حاضر روند شکل‌گیری و تاریخ فلسفه غرب را به نمایش می‌گذارد. وی در آخرین بخش کتاب خویش با عنوان «فلسفه امروز چنین می‌نویسد» آیدای بگویم که امروز اقتدار جریان‌های گوناگون اندیشه وجود دارد و تعارض‌ها و تناقض‌ها به اندازه‌ای در این جریان‌ها تند و فراوانند که اندیشمندان دیگر به این انگفا نمی‌کنند که علیه یکدیگر به استنادل پیر برانند. آنطور که همیشه می‌پرواخته‌اند بلکه بسیار دورتر از اینها می‌روند، تا آنجا پیش می‌روند که حتی به فلسفی بودن آنچه دیگران می‌گویند معترض می‌شوند. اگر تاباوبی از فلسفه امروز رسم کنیم تقریباً به نحو گریزناپذیر، هم سطحی خواهد بود و هم خودسرانه.

ملاصدرا، تفسیر و حدیث، مجموعه مقالات

ملاصدرا، تفسیر و حدیث، مجموعه مقالات، ناشر: بنیاد حکمت اسلامی صدر، چاپ ۱۳۸۳، ۲۰۱ صفحه.

در این کتاب مقالات در دو مقوله تفسیر و علم الحدیث آمده است که اولی شامل ۱۷ مقاله دومی شامل ۶ مقاله است. مقالات این کتاب در مجموع ۱۳۳ مقاله است که از میان آنها ۸ مقاله از انگلیسی به فارسی ترجمه شده است و سایر مقالات فارسی هستند.

این کتاب جلد دوازدهم از مجموعه مقالات همایش بین المللی حکمت ملاصدرا در سال ۱۳۷۸ است که از مجموعه مقالاتی با عنوان گفتمان فلسفه اسلامی و فلسفه غرب منتشر شده است.





کتاب

روی قفسه ها



میراداد، **میراداد، تالیف اسناد سیدمحمدهامنه‌ای، انتشارات بنیاد حکمت اسلامی صدر، چاپ ۱۳۹۲، نسخه ۱۷۸ صفحه**

کتاب همچنان که از اسم آن پدید است به زندگی و شرح احوال علما، عدیه های فیلسوف کرگزار میرمیداد معروف به میراداد می‌پردازد. تاریخ مباحث قرن اخیر، زمان کوکبی و توحیدی و ظاهر اولاد میراداد در شهر مشهد بود. تحصیلات مرسوم آن روزگار در آن اساتید آنجا گرفته است. در احوال وی نوشته اند که در همان دوران سیادت با توحیدی به بازی استعداد و حافظه شگفت‌انگیز خود نوشت کتب فلسفی دشوار چون کتاب اشراق و شفا را که از کتب معروف این سیاست به خوبی می‌وزد و خود در فلسفه و برخی علوم دیگر، کتب و شروحی را به نگارش در آورد. موفق بود حاصل اول کتاب با عنوان زندگنی میراداد، چنین به شرح می‌باشد: فصل دوم با عنوان اساتید و معاصران، به شرح کتب زندگنی و آشنایی وی با شیخ بهایی درصفهان می‌پردازد. از روابط او با دیگر فضلاء عصرش نیز شرح بهاد. درصفاح اطالعی تارخیه امامیه آن در دانشمند تابعه و بی‌ماتد، روابطی دوستانه وجود داشته است که گونه‌ای از آن را موحیان و ترجمه تویسان در کتب خود آورده‌اند. اگر چه شیخ بهایی بر چه چنانند، نیز بوده است، ولی موحیان و معاصرند و مشترکاتی دیگر نیز با یکدیگر دارند.

بزرگی های میراداد، فصل سوم کتاب به لغات و شاخصه های خصیصی و دانشیه های میرمداد، یکی می‌پردازد. یکی از بزرگی های قده وی آن است که آن را با فلسفه همچه است، مثلا در رساله و جویب استحصال رتبت در تمام علوم و دیگر عبارات که برخی از فقها استوار واقعی در تصور کرده‌اند آن استوار حکمی میراداد از راه طوطا دعرو وجود حقیقی حرکت فطریه وارد می‌شود. یکی از حقایق بهایی که در زندگنی فلسفی میراداد وجود دارد، بی اعتقادی او به فلسفه مشاء، و گرایش به حکمت اشراق و عرفان الهی اشد است.

مکاتبات میراداد، عصر میراداد، فلسفه میراداد، «حدوث دهری» «مباحث نظریه دهری» «فقیده ملاصدرا است» به حدوث دهری» «احکام طبیعه» از دیگر عناوین این کتاب خوانمندی برای علاقه مندان به فلسفه ایرانی- اسلامی است.

مناظریک چیست؟

مناظریک چیست؟ مؤلف: طاهرین هایدرگر، مترجم: سیاحون جمادی، انتشارات ققنوس، چاپ ۱۳۹۳، ۲۲۱ صفحه

کتاب حاضر از فیلسوف بزرگ آلمانی و هم‌دوره و یکی از پیچیده ترین کتاب های فلسفی قرن بیستم است. می شک مترجم با چنین شناخت و آگاهی می سراغ این کتاب رفته است.

این کتاب در واقع، درس گفتاری

است که هایدگر در سال ۱۹۲۹ به ماستر اتصاف به چارلستنی هوسرل در دانشگاه فربورگ ایراد کرده است. وی چهارده سال بعد یعنی در سال ۱۹۴۳ یک گفتار ویست سال بعد یعنی در سال ۱۹۴۹ در آلمنی بر این درس گفتاری فریاد.

این درس گفتار از نخستین گام‌های هایدگر در راه چرخش فکری او نیز نشان دارد.

ترجمه در پیشگفتار مترجم، بخش لاف آورده است. هایدگر در تجزیه‌یاب زبات لایحه‌ای استعاره‌ای فراروندگی از خود به سوی موجودات در گفتار آنها و سپس عدم «آیه هستی» می‌داند. اما لازم است در راه یادآور نشانی هرمنوتیکی هایدگر گام به گام برای تلب به این مقصد معسر نوییم»

لازم به ذکر است که پیشگفتار مترجم بالغ ۱۲۹ صفحه می‌باشد و اصل کتاب مناظریک چیست؟ ۹۹ صفحه است که بر این ترتیب پیشگفتار مترجم که به نوعی توضیحی درباره اصل کتاب است از خود کتاب بیشتر است. در این پیشگفتار تطبیق‌های مابین عرفا و فیلسوف‌های ایرانی همچون شیخ محمود شبستری و هایدگر انجام شده است.

چرا مو خودات به جای آنکه نتانند، هستند؟ به نزد هایدگر، تاریخ مناظریک غرب این پرسش لاچینیس را یکسره به غفلت سپرده یا در پاسخ‌هایی که به این پرسش داده‌ان را کورت کرده است. مناظریک چیست؟ پرسش وجودی زایسی از هستنی و زمانه نگرداد از راهی که به نزد هایدگر دیگر کشودیم به مناظریک هستنی و زمانه نیست مطرح

می‌کنند. هم از این رو این درس گفتار از نخستین گام‌های هایدگر در آنچه

به «گشت» فکرو و معروف است، نشان دارد.

کتاب مناظریک چیست؟ شامل چهار فصل و پس گفتاری از هایدگر است. نویسنده در بخش تریس آگاهی عدم را آشکار می‌کند. چنین می‌نویسد: تریس آگاهی کلام را در کام می‌کوبد. می‌گذرد ز که موجودات از کتب بیرون می‌شوند و در کل فرود می‌روند و هم از این رو، هم‌اکنون عدم از هر سو هجوم می‌آورد و فراوانی آن را نمی‌توان فهمست» از هر سوی حشوش می‌گذرد، اینکه زمان حالت خود، فراغت تریس آگاهی می‌گوینم تا برود شکلات تپنی را با ساختنی بی اختیار باره کنیم. تنها نشانی از حضور عدم است.»

«واگنایی یک پرسش مناظریکی» «فصلیل پرسش» و «پایسکویی به پرسش از دیگر عناوین این کتاب خوانمندی است.

رسالات الشجره الالهیه فی علم الحقائق الربانیه

رسالات الشجره الالهیه فی علم الحقائق الربانیه، مؤلف: شمس الدین محمد الشهرزوری، تحقیق: صحیح موسسه پژوهشی حکمت و فلسفه ایران، چاپ ۱۳۹۳، ۶۵۵ صفحه
شهرزوری، شمس الدین محمد، یکی از فلاسفه بزرگ قرن هفتم و پیرو شرح حکمت اشراقی شهاب الدین سهروردی است. در مورد شرح اصول او تاکنون اطلاعات روشنی به دست نیامده است. قطعاً یکی از راهبانی کتب معرفت درباره او بررسی اکثر خود او است و صحیح ابیوداد است در جریان توضیح متن کامل رسال الشجره الالهیه، به علاوه کتابک قابل توجه دست یابده. همین ترتیب، صحیح در مقدمه قاضی خویش، به شرح اصول چگونگی صحیح خویش و معرفی اجمالی کتاب می‌پردازد. از آثار بر می‌آید که وی در حکمت بحلی و دوفی دارای مقام بلندی است. در تاریخ فلسفه یونان مسلط است. بر آرا نظرات حکیمان پیش از خود آگاهی کامل دارد و بر وضعیت علمی زمان خویش کاملا مشرف است.»

وی همچنین در این مقدمه به شیوه توضیح و مشخصات و رموز نسخ مورد استفاده خویش می‌پردازد. نسخه‌هایی که وی از آنها بهره‌مند بوده است به ترتیب، نسخه حکمی شماره ۱۸۹۶، مجلد اشراقی اسلامی که در سال ۱۰۸۵ هجری تحریر شده است. نسخه حکمی شماره ۳۳۳۳ در قرن یازدهم تا ۱۰۸۷ هجری، بدون تاریخ و اصحلا است. نسخه ۳۳۳۳ در قرن یازدهم هجری، نسخه حکمی شماره ۳۳۳۳، آتشگاه و بیکنی که با خط نستعلیق بسیار خوش تحریر شده است از دید صحیح قابل اعتقاد نیست و نسخه کوچک تپکی می‌باشد.

کتاب به زبان عربی است و تنها مقدمه و پایتخت‌های آن به زبان فارسی است. همچنان که در یکی از پایتخت‌ها آمده است، براساس این نظراین درست که همه جوامع به نوعی خدمتکار و قطعاً نیازمند یکدیگرند و اگر چنین اندیشه جهانشمونی حاکم شود، این احتمال قوت می‌گیرد که به جهت احتیاج همه به یکدیگر، مزارعات محلی و منطقه‌ای و جهانی ریشه‌کن شود. اما هنوز در روزگاری که ما زندگی می‌کنیم صلح یک آرزو است.»

صحیح همچنین در نظری اجمالی به سخنانی رساله سوم آورده است. «چون بسیاری از کمالات الهی در زندگی جمعی از قوم به فعل می‌آید کسانی چون دوریشیان و فارشیشیان و متوکلان و مساحان که زندگی فردی برگزیده‌اند نه تنها فاقد تقویبت و کمال خواهند شد، بلکه چون از خدمات جامعه بهره می‌برند و خود چیزی به جامعه نمی‌دهند، مستکار خواهند بود.»

از هایدگر تا سهروردی

هایدرگر تا سهروردی، مؤلف: طهری کریم، مترجم: حامد قزاقوند، سازمان چاپ و انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، چاپ سال ۱۳۹۳، ۱۷۸ صفحه

کتاب شامل یک گفت و گوی بلند و یک بی نوشت تکلمی و تشریحی است که به شرح زندگی رامردی می‌پردازد که شیفته فرهنگ معنوی ایران است و با پژوهش‌های بنیادین و پربار خود، اسلام ایرانی را به جهان‌عرب نشانده است. می‌توان گفت که کتاب هم‌بسیار روشنی از سر دلشده کریم و اطلاعاتی آژوشمند درباره معاصران و دوستان فراوان او به دست می‌دهد.

ترجمه در پیش گفتار خویش چنین می‌آورد: «در این کتاب، دو نکته توجه خواننده را می‌دکد: بر می‌گذرد نخست آنکه سه کشور فرانسه

آلمان و ایران در زندگی این سالک دانش‌پژوه نقش بسزایی ایفا کرده‌اند. دوم اینکه دو اندیشه‌پژوه بر کریم تاثیر ویژه گذاشته‌اند، یکی هایدگر و دیگری سهروردی.»

می‌توان گفت که مؤلف کتاب، این «اثر غربیه عصری در طلب علم و حقیقت‌سیری کرده همانند سایر پیشانیان معنویت، هجرت کرد این مهاجر اندیشه به دوش که ذهن و رفتار خود را در پرتو آزمایش سه فرهنگ شی کریم می‌دهد. مدتی که هم‌فکری‌هایی ساده سپید، از دنیای به‌سرمه‌زی دیگر، به‌سرمه‌زی سگرمه‌زی سگرمه‌زی سگرمه‌زی سگرمه‌زی سگرمه‌زی را که ترکز از مبراهدی جغرافیایی، فرهنگی و حتی خود می‌انگیند، فرزند آینده و بدون وطن می‌باشد.

بر کسی پوشیده نیست که نویسنده علاقه فراوانی به شیخ اشراق داشته است. وی در بخش بی نوشت خویش در گفت و گوی خود با قلیب بن‌نعمین می‌نویسد: «آشنایی من با سهروردی سرشود معنوی مرا برای گذار از این دنیا تعیین کرد. با فاطمه زهراوری من با او زگان فرشته‌شناسی زرتشتی ایران باستان یابم می‌شد و راهی را که می‌چشم روشن می‌کرد. ایران قدیم در آستانه به‌مانه دنیایی مجامه و واسطه در مرکز نقل این روزند قرار داشت. ایران منم فقط یک ملت و امپراتوری بود بلکه کلان‌زمین معنویت و تاریخ ایران بود. این دنیا آمده پیش من بود و مرا بپذیرود، فلسفوی که به عرصه آموزش‌اشنان رازد شده.

خواندن چنین کتابی برای عموم خالی از لطف نیست. البته برای کسانی هم که علاقه خاصی به مسائل فلسفی و تاریخ نکات آموزنده فراوانی می‌تواند باشد.

الاسفال

الحکمة المتعالیة فی الاسفال الایمة، مؤلف صدر الدین محمد شیرازی ملاصدرا، به تصحیح دکتر کلانمیرزا اعلی‌ا، ناشر: بنیاد حکمت اسلامی صدر، چاپ اول ۱۳۹۳، ۶۶۰ صفحه
کتاب «حکمت متعالیة الاسفال الایمة» صدرالدین محمد شیرازی است. این کتاب در «جلبان» عالمه بیان به فلسفه اسلامی شده است. هر ۹ جلد چاپ و منتشر شده است.

مقدمه قاضی کتاب از سیدمحمد حمزه‌ای است. در مقدمه کتاب چنین آمده است: «در این میان ضرورت تصادفا داشت که شخصیت بزرگ و بی‌همانی همچون حکیم صدر الدین محمد شیرازی مکتب به صدرالمتألهین و مشهور به ملاصدرا،

نیز که فیلسوف قرآن‌شناس، مفسر، علامه حدیث‌شناس و محدث بزرگ اسلامی در قرن دهم و یازدهم هجری است. به جهاتی نشانده خود و آثار بی‌شمار او با کلمات و بهترین صورت تصحیح و مقدمه نگاری و باورنی نویسی و ویرایش کرده با چنانی

شایسته در دسترس مشتاقان حکمت و فلسفه اسلامی قرار گیرد. این مقدمه، چاپ نفیس و استفاده

از نسخ خطی ضلالت در تصحیح و حضور مصحح کرگفتاری چون اقوامی نشان از همت والای او تاگان ملاصدرا در حفظ تشریح و تبیین آثار، از او اندیشه‌های فلسفی این فیلسوف کرگفتار در و مانده تهروری شده. حضور فلسفه ایرانی اسلامی هر ملاصدرا به تنها در استخوان و بنیادی بنییم. معارف تاریخی فلسفه حکمی در روش و ظاهر معضلات و استدلالات و کشف حقیقت بود. ملاصدرا به همان اندازه که به نتیجه استدلالات و ساختن حکم جهان‌بینی جامع صادق می‌اندیشید، به همان اندازه هم تلاش برای دست دادن افراد و ساختن راه و مطمئن به نتیجه برسانند. مسأله فلسفی را به پاسخ واقعی منتهی نماید.

دین عرفان، ملاصدرا

دین عرفان، ملاصدرا، مجموعه مقالات، ناشر بنیاد حکمت اسلامی صدر، سال چاپ ۱۳۹۳، ۵۵۲ صفحه
کتاب جلد نهم از مجموعه مقالات انگلیسی همایش جهانی ملاصدرا است که اکثر مقالات به انگلیسی ترجمه شده‌اند. این همایش در سال ۱۳۷۸ برگزار شده و به حال ۱۰ جلد این مقالات به انگلیسی و ۱۲ جلد از آن به فارسی چاپ شده است.

مجموعه مقالات این کتاب مشتمل بر دو محور به نام‌های ۱۸ الهیات و فلسفه دین و ۲۰ عرفان و تصوف می‌باشد.

مجمول اول شامل ۱۳ مقاله دومی شامل ۱۱ مقاله است. لازم به ذکر است که یکی از مقالات مربوط به الهیات و فلسفه دین عربی است که در تپانی کتاب آمده است.

اکثر مقالات در ارتباط برسر می‌آرد. اندیشه‌های ملاصدرا و فلسفه اسلامی می‌پردازد.

